

## سال خونین ارتش افغانستان



در سال جاری بیش از ۱۰۰۰ سرباز ارتش در جریان عملیات‌های نظامی کشته شده‌اند که بیشترین تلفات را از آغاز مبارزه بر ضد طالبان در جریان یک سال نشان می‌دهد. یک مقام امنیتی افغان به خبرگزاری فرانسه گفته است که تلفات سنگین سربازان ما یک آزمون دیگر در برابر نیروهای امنیتی کشور می‌باشد. میزان تلفات سربازان ارتش افغانستان در حالی بالا رفته است که پروژه انتقال مسوولیت‌های امنیتی از نیروهای بین‌المللی به نیروهای داخلی که سال گذشته آغاز شد، بر اساس یک برنامه منظم در پنج مرحله انجام می‌شود...

ادامه صفحه ۶

## بلا تکلیفی‌های انتخاباتی تا کی؟

اکنون شرایط برای این مسأله مساعد به نظر می‌رسد که نخبگان جامعه به سمت کاهش نامزدان و ایجاد اجماع عمومی در برنامه‌های دو یا سه نامزد مشخص گام بردارند. احزاب سیاسی کشور وظیفه دارند که در این راستا جامعه را کمک کنند و نه این که به تکرار نامزدان و سراسیمه‌گی‌های انتخاباتی دامن بزنند. افغانستان به این مرحله ارتقا کرده است که خواست‌ها و نیازهای خود را در محور نامزدان مشخصی که از مانور بالای سیاسی برخوردار باشند، تعریف کند.

حضور ده‌ها نامزد در انتخابات ریاست‌جمهوری، نمی‌تواند یک امر میمون سیاسی به شمار رود. به این روند باید پایان داد. پایان دادن به این روند، از راه گفت‌وگو و نشست‌های مستمر میان احزاب و جریان‌های سیاسی معتبر در کشور به دست می‌آید. افغانستان هیچ راه دیگری ندارد به جز این که وارد چنین مرحله از تاریخ سیاسی خود شود. اگر کسانی برای آینده افغانستان نگران‌اند، باید به این مسأله بها دهند و آن را در اولویت‌های کاری خود بگذارند.



صفحه ۶

## مسوده جدید قانون انتخابات طرحی کودتایی است

ناجیه نوری

سپردن صلاحیت تعویق برگزاری انتخابات به رییس‌جمهوری و سهم‌ساختن دادگاه در کار کمیسیون شکایت انتخاباتی که در مسوده جدید قانون انتخابات مطرح شده، یک نوع کودتا است. در پیش‌نویس جدید قانون انتخابات که روز شنبه هفته جاری از سوی وزیر عدلیه کشور به مجلس نمایندگان سپرده شد، صلاحیت به تعویق انداختن انتخابات به

رییس‌جمهور داده شده و همچنان صلاحیت رسیده‌گی به شکایات انتخاباتی، به دادگاه داده شده است. این درحالی‌ست که براساس قانون اساسی کشور، هیچ نهادی صلاحیت تعویق زمان برگزاری انتخابات را ندارد.

عزیز رفیعی رییس جامعه مدنی می‌گوید، هر نوع اختیار و صلاحیت دادن به مقام‌های حکومت افغانستان در رابطه به تصمیم‌گیری...

ادامه صفحه ۶



وزارت خارجه خطاب به طالبان:

## به مبارزات سیاسی رو آورید



اعتماد و رأی مردم افغانستان وارد حکومت و دولت شده و به مردم شان خدمت نمایند. آقای موسوی تأکید کرد که مشکل کنونی در افغانستان فقط می‌تواند از راه‌های سیاسی حل گردد و مخالفان مسلح باید روابطشان را با گروه‌های تروریستی قطع کرده...

ادامه صفحه ۶

پاکستان به پاس مبارزه با تروریسم

## ۶۸۸ میلیون دالر دریافت کرد!



پاکستان مبلغ ۶۸۸ میلیون دالر را از سوی صندوق حمایتی نیروهای ائتلاف (CSF) به عنون بازپرداخت هزینه‌هایی که در راه حمایت از ۱۵۰ هزار نیروی ائتلاف...

ادامه صفحه ۶

### در برگ‌ها



این همه شمع خبر از فراگیری خاموشی دارد!

در مسیر تاریخ



حافظ و خیام، تفاوت‌ها و تشابه‌ها

رییس ستاد مشترک ارتش: هیچ تشویش از پروسه چهارم انتقال نداریم



حلیمه حسینی

# این همه شمع خبر از فراگیری خاموشی دارد!

زننده‌گی و زننده بودن است، کاری باید کرد فراتر از آن چیزی که در کنوانسیون‌ها و قانون می‌نویسیم. چرا که قانون وقتی می‌تواند عدالت را اجرا کند که مجرم در قدم نخست حاضر باشد؛ یعنی گرفتار شده و در پیشگاه قانون گردن نهاده، و سپس جرمش ثابت گردد و در مرحله آخر، عدالت اجرا شود. اما چند درصد از زنان ما که قربانی لجام گسیخته‌گی و انحطاط اخلاقی و عملی هم‌نوعان خود هستند، شانس دسترسی به عدالتی این‌چنین شفاف را دارند که از لحظه تعقیب تا گرفتاری و محاکمه و صدور حکم و اجرای آن، بدون فساد و زدوبند و با شعار برابری همه در برابر قانون، بتوانند حق خود را بستانند؟! و مهم‌تر از همه، گاهی حتا اجرای قانون هم نمی‌تواند تصویر کاملی از عدالت باشد. امروز حتا اگر ۶ نفری که در تجاوز و قتل دختر هند مسوول شناخته شده‌اند، اعدام شوند، نمی‌تواند دختر ۲۳ ساله خانواده قربانی را به آن‌ها برگرداند. این‌جاست که خلای بزرگی رونما می‌شود که در جریان دفاع از حقوق زن و برای مصونیت و امنیت ایجاد کردن برای او، فقط به ساختن و نوشتن قانون‌هایی رو آورده شده که بیشتر آن‌ها ضمانت اجرایی بعد از وقوع حادثه خواهند بود و جنبه پیش‌گیرانه کم‌تر در آن متصور است.

امروز اگر بپذیریم کسانی که اعمالی از این دست را انجام می‌دهند، به نوعی همه مرزهای انسانی و عاطفی و احترام به کرامت بشری را شکسته‌اند، باید نگران بود که افزایش آمار تجاوز به زنان و قتل و خشونت علیه آن‌ها، ابعاد تازه‌یی از روح ویران‌شده و صدمه‌دیده بشر قرن حاضر را به تصویر می‌کشد که بیمار است و سخت محتاج درمان و شفایی که اگر دیر شود، بیش از این فاجعه خواهد آفرید.

امروز نه تنها برای نجات زنان و رسیدن آن‌ها به آرامش و امنیت، باید همه‌جا شمع روشن کرد، که مردان نیز نیازمند کمک و یاری هم‌نوعان خویش هستند و اگر صحبت از تجاوز و قتل و خشونت علیه زنان می‌شود، بخش بزرگی از این اقدامات توسط مردان صورت می‌گیرد و باید برای نجات قربانی‌کننده نیز کاری کرد. چرا که اگر فقط دل به قانونی ببندیم که قربانی‌کننده را به مجازات می‌رساند، کم‌تر کاری برای مهار هر دو (قربانی و قربانی‌کننده) کرده‌ایم. زیرا هیچ قربانی‌کننده‌یی در لحظه ارتکاب جرم، به ماندن و خود را به دست عدالت سپردن فکر نمی‌کند و بدون شک فرار از مجازات، بخشی از طرح و برنامه و دست‌کم آرزوی او خواهد بود. از این‌رو، امروز دنیا نیازمند پُر کردن خلاءهایی است که نبود و فقدان آن‌ها سرچشمه و ریشه اصلی این‌چنین جنایات هولناک است.

شمع‌هایی که به یادبود دختر هند امروز این کشور را نورباران کرده است، تا ابد روشن نخواهند ماند؛ اما شمعی که با حرارت ایمان و خدامحوری در قلب بشریت روشن شده باشد، قدرتی از درون مهارکننده را همراه انسان لجام‌گسیخته امروز می‌سازد که همواره او را از انحطاط و لغزیدن به یک‌چنین ورطه‌یی نجات خواهد داد. امروز نیاز است که تک‌تک ما در قلب خود و دیگران شمعی از جنس یاد خدا و عشق به مخلوقاتش، بیافروزیم تا دنیای مسخ‌شده امروز را که همه اهریمنی برای دیگری شده‌اند را نجات دهیم.



همه زنان و دختران دنیا در انتظار آن بی‌قرار هستند. یعنی اتحاد و اتفاق یک ملت و یک جمع بزرگ برای این‌که زنان نباید قربانی یک‌چنین اعمال وحشیانه و تکان‌دهنده شوند.

آن‌چه این روزها در هند در حواشی این داستان دل‌خراش جریان دارد و رسانه‌ها مرتب آن را پوشش خبری داده‌اند، یک واقعیت دیگر را هم به بشر گوش‌زد می‌کند که امروز انسان علیه انسان، مرد علیه زن دست به یک‌چنین اقدامات غیرانسانی و وحشیانه می‌زند و هنوز هم با تمام تلاش‌های جریان‌ها و گروه‌های قدرت‌مند فمینیستی و یا دیگر جریان‌ها و حرکت‌های مدافع حقوق زنان در سراسر دنیا، سرنوشت زنان در بسیاری از گوشه و کناره‌های این کره خاکی تغییری نکرده و هم‌چنان این انسان است که به انسان دیگری درد و رنج می‌رساند.

شاید پاسخ به چرایی این حقیقت تلخ، انگیزه شکل‌گیری جریان‌های فکری و فلسفی مطرحی در جهان باشد که هر کدام به نام زن و دفاع از حقوق او فعالیت می‌کند و امروز همه آن‌ها را می‌شناسند. اما شوربختانه وقتی به همه تلاش‌ها، تعالیم، راهکارها و طرح‌هایی که بشر امروز برای مبارزه با این حقیقت تلخ ارایه کرده (مانند تدوین حقوق بشر و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌ها و راهپیمایی‌ها) نگاه عمیق می‌شود، یک نکته برای همه زنان به اثبات می‌رسد که حتا در خود کشورهای که خالق و مبدع یک‌چنین شاهکارها برای دفاع از حقوق زنان هستند، زن هنوز مورد خشونت و تبعیض قرار دارد و هم‌چنان با هزاران درد و مشکل پیدا و پنهان دست‌وپنجه نرم می‌کند.

حقایقی از این دست نشان می‌دهد که نه تنها برای نجات زنان، که برای نجات مردان هم از این گرداب و سیاه‌چالایی که مملو از خودخواهی‌ها و سرمست بودن‌ها از لذت

هزاران نفر در حالی برای آرامش و ابراز همدردی با خانواده «دختر هند»، به پیش‌واژ تابوت وی شمع روشن کرده‌اند که هر روز و هر ساعت در سراسر دنیا، زنان و دختران زیادی مورد تجاوز و خشونت قرار می‌گیرند. شاید این دانشجوی ۲۳ ساله یکی از خوش‌شانس‌ترین قربانیان تجاوز و خشونت علیه زنان بوده که توانسته است این‌چنین هم‌دردی و هم‌صدایی مردم کشورش را داشته باشد.

تاریخ به اثبات رسانده که روزی و ساعتی و لحظه‌یی فرا می‌رسد که مردم تصمیم می‌گیرند که دیگر آن چیزی که همیشه جریان داشته و از نظر آن‌ها درد بوده اما تحمل کرده‌اند را، دیگر تحمل نکرده و علیه آن اعتراضات گسترده‌یی انجام دهند. شاید دختر هند و حادثه تجاوز و کشته شدن وی، نقطه عطفی شود در تاریخ کشور هندوستان تا مردم آن بتوانند با یک اراده و حمایت مردمی، هند را سرزمینی امن‌تر و مطمئن‌تر برای زنان بسازند؛ هرچند که مسأله تجاوز و مورد خشونت قرار گرفتن زنان و دختران، پدیده‌یی است که در همه جای دنیا به چشم می‌خورد و هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که ناحیه تحت قیومیت وی و یا بخشی از سرزمین او، منهای یک‌چنین حوادث و تراژدی‌های تلخی بوده و یا خواهد بود.

آن‌چه که از این دختر ۲۳ ساله یک قهرمان ساخت، نوع نگاه مردم و اعتراضات گسترده‌یی بود که شهروندان هند برای دفاع از حق وی و هم‌چنین تجلی یک اراده جمعی برای قانون‌مند شدن بیشتر مجازات‌ها و سنگین‌تر شدن آن، از خود بروز دادند. اما این شمع‌هایی که به یاد دختر هند در گوشه و کنار این سرزمین پهناور روشن شده است، خبر از سکوت و خاموشی دردآوری می‌دهد که دنیا را در خود فرو برده است و هر شمع، نمایان‌گر همان روزنه‌های امید است که

## سخن‌ماندگار

### چالش‌های اصلی فراراه مبارزه با غاصبان زمین

مجلس نماینده‌گان این روزها درگیر یکی از بی‌سابقه‌ترین جنجال‌های تقنینی‌اش است. کمیسیون نظارت بر کارکرد حکومت گفته است که حدود یک‌میلیون و دوصدوینجاه جریب زمین از سوی غاصبان در سراسر افغانستان غصب شده است. با این حال، این کمیسیون، اسامی این غاصبان را افشا نکرده و این موضوع منجر به اعتراض بسیاری از نماینده‌گان در مجلس شده است.

ولایت‌های کابل، ننگرهار، بلخ، قندهار و هرات از جمله ولایت‌هایی‌ست که بیشترین زمین‌های غصب‌شده را در خود دارند.

اکنون مشکل اصلی این‌جاست که در برابر این معضل، یک خلای قانونی وجود دارد. چون قوانین افغانستان غاصب زمین را به عنوان مجرم تعریف نکرده و هیچ جزای قانونی متوجه غاصب نیست. از همین‌رو، مجلس پیشنهاد کرده است که پیش از افشای نام این غاصبان، طرحی قانونی برای این مسأله ترتیب شود.

پرسشی که حالا مطرح است، این است که آیا پس از ارتکاب یک جرم، می‌شود صورت قانونی این جرم را طرح کرد و برای آن قانون بازدارنده‌یی ساخت؟ آیا ممکن است که قانون تازه‌ایجادشده بتواند تکلیف غاصبان را یک‌سره کند؟ چون، استدلال آن خواهد بود که غاصبان زمین در یک خلای قانونی دست به چنین عمل زده‌اند و این عمل بعداً به جرگه جرم درآمده است.

چالش دیگر، آن است که بسیاری از غاصبان زمین، افراد زورمندی‌اند که همین اکنون بلندترین پست‌های دولتی را در اختیار دارند. شاهد این مدعا می‌تواند افشا نشدن اسامی این غاصبان، از سوی کمیسیون نظارت بر عمل‌کرد حکومت باشد. تردیدی نیست که ملاحظه این کمیسیون هم بیشتر از همه چیز، زور و توانایی‌های قانونی و فراقانونی این افراد بوده است. از این‌رو، مشکل به نظر می‌رسد که مجلس کشور بر طرح محاکمه این افراد زورمند فایق آید.

از همه مهم‌تر موضوع دیگری‌ست که تا کنون کمتر به آن توجه شده است. این‌که بسیاری از این زمین‌های غصب‌شده از سوی غاصبان به صورت شهرک‌ها و ملکیت‌های عامه درآمده است. به گونه‌ی مثال، بسا از ملکیت‌های دولتی در شهر کابل وجود دارند که افراد زورمند آن را پس از غصب، به قطعات کوچک تقسیم کرده و به مردم عام به فروش رسانده‌اند. اکنون اگر حکومت بخواهد این زمین‌ها را بازستاند، تکلیف مردم بی‌چاره و بی‌گناه چه می‌شود؟ جدای از این‌که چنین کاری، فاجعه به‌بار می‌آورد، حتا از منظر قانونی نیز حکومت نمی‌تواند سرنوشت این مردم را نادیده بگیرد.

افزون بر این، بسیاری از ملکیت‌های دولتی نیز وجود دارند که مأمورین دولتی، نماینده‌گان مجلس و... آن را غیرقانونی تصاحب کرده‌اند و این خود مبارزه با غصب زمین را با سوال مواجه کرده است. ماجرای دشت پدوله و غصب زمین‌های شیرپور هنوز از یاد مردم نرفته، اگر بر فرض غصب زمین‌های دولتی بازخواست گردد، بی‌تردید که این بازخواست متوجه برخی از نماینده‌گان مجلس و مأموران دولتی نیز می‌شود. از این‌رو، به نظر نمی‌رسد که این ماجرا به سود قانون پایان بیابد.

در هر صورت، مراد آن است که اگر مجلس نماینده‌گان عزمی راسخ برای مبارزه با غاصبان زمین دارد، نخست باید این خلای قانونی را برطرف سازد تا در پرتو آن از ادامه غصب زمین‌های دولتی جلوگیری شود.

در گام دوم، می‌طلبید که یک طرز‌العمل خاص آماده گردد تا بتوان به واسطه آن پروسه واپس‌گیری این زمین‌ها را بدون ایجاد برخورد به‌راه انداخت.

مسأله سوم، افشای نام افراد غاصب است که بسیاری از نماینده‌گان با آن موافق‌اند. این افشامساز دست‌کم کمک می‌کند که مردم بدانند با کسانی روبه‌رو هستند که هم زمین‌شان را غصب کرده‌اند و هم سال‌های سال است که بر سرنوشت آن‌ها حکم می‌رانند.

و گام آخر در این راستا می‌تواند آن باشد که نماینده‌گان محترم مردم در مجلس، قربانی دهند. این قربانی جز پیشگام شدن در استرداد زمین‌ها از سوی خود نماینده‌گان، میسر نیست. همان‌گونه که گفته می‌شود، برخی از نماینده‌گان محترم زمین‌هایی در شیرپور و پدوله دارند که هر دوی این پروژه‌ها به اصطلاح دعوایی‌اند. اکنون اگر مجلس کشور، این موارد را در امر مبارزه با غصب زمین‌های دولتی در نظر بگیرد، بی‌گمان که در آینده‌یی نه‌چندان دور، شاهد کاهش و پایان یافتن این چپاول‌ها خواهیم بود.

حسنى مبارك:

## به زنده‌گی من پایان دهید!



یک منبع اسرائیلی فاش کرد که دیکتاتور سابق مصر از تیم معالجاتش خواسته به زنده‌گی دردنانش پایان دهد. به گزارش سایت اینترنتی النشرة، یک پایگاه خبری اسرائیلی موسوم به «عنیان مرکزی» در خبری فاش کرد: حسنى مبارك، رئيس جمهورى سابق مصر به دليل مشکلات

وخيم جسمانى از تيم پزشكى معالجاتش خواسته تا با اقدام به اوتانازى (مرگ خود خواسته) به درد و رنج‌هاى وي پايان داده و وي را از ادامه زندگى دردنانش نجات دهند.

این پایگاه خبری اعلام کرد: اوضاع جسمانی حسنى مبارك طى چند روز اخير وخيم شده است به نحوى که وي به بیمارستان منتقل شد. بنا به گزارش این پایگاه خبری، تیم پزشکی مسوول مداوای مبارك پس از آنکه دیکتاتور سابق مصر در حمام زندان زمین خورده وي را معاینه و به بیمارستان منتقل کرد.

پایگاه اسرائیلی مذکور همچنین تاکید کرد که این درخواست حسنى مبارك با مخالفت پزشکانش رو به رو شده است.

از سوى ديگر پایگاه خبری ايلاف به نقل از منابع مصرى اعلام کرد حال جسمانى مبارك بسيار وخيم است و وي نياز به معجزه دارد.

## افسوس روس‌ها از فروپاشی

### شوروى سابق



نتایج یک نظرسنجی که در آستانه بیست و یکمین سالگرد فروپاشی اتحاد جماهیر شوروى سابق منتشر شد نشان می‌دهد بیش از ۵۰ درصد روس‌ها هنوز از فروپاشی شوروى سابق افسوس می‌خورند.

با این حال نتایج این نظرسنجی که از سوى مرکز تحقیقات «نظر عمومي روس‌ها» (VCIOM) انجام شد، نشان داد که این رقم در مقایسه با سال گذشته حدود ۱۰ درصد کاهش یافته است.

بر اساس نتایج این نظرسنجی، یک سوم روس‌ها از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروى افسوس نمی‌خورند و این رقم در مقایسه با نظرسنجی که در سال ۲۰۰۲ انجام شد شش درصد افزایش یافته است.

اتحاد جماهیر شوروى ۲۱ سال پیش فروپاشید. اکثر شرکت کنندگان در این نظرسنجی که حسی نوستالژیک نسبت به دوران اتحاد جماهیر شوروى سابق دارند، افرادی هستند که سن‌شان ۴۵ سال و بالاتر است. این افراد دارای سطح تحصیلات پایین هستند و به اینترنت دسترسی ندارند.

در همین حال افراد جوانتر و کاربران فعال اینترنت که در این نظرسنجی شرکت کرده بودند، اعلام کردند که زندگی در روسیه مدرن را ترجیح می‌دهند.

دو سوم شرکت کنندگان در این نظرسنجی اعلام کردند که اتحاد جماهیر شوروى دورانى بود که در آن فرهنگ و اقتصاد مردم شاهد شکوفایی و توسعه بود.

در همین حال ۲۰ درصد شرکت کنندگان در این نظرسنجی اعلام کردند که معتقدند دوران شوروى سابق دوره‌ای بود که در آن وضعیت فرهنگ و اقتصاد مردم با رکود و افول مواجه بوده است.

## طالبان پاکستانی ۲۱ پولیس ربوده

### شده را کشته اند



تروریسم طالبان پاکستان پایانی ندارد. افراط‌گرایان اسلامیت ۲۱ پولیس را که ربوده بودند، کشتند. طالبان پیش از آن که پولیس‌ها را بکشند، دست و پا‌های آنها را بسته بودند.

نماینده‌گان محلی حکومت گزارش دادند که اجساد کشته شده‌ها در محل جیی، مربوط مناطق قبایلی شمال غرب پاکستان پیدا شده‌اند. طالبان پیش از آن که پولیس را بکشند، دست و پا‌های آنها را بسته بودند.

مقامات محل باز هم گزارش دادند که یک پولیس موفق به فرار شد و یک تن دیگر با جراحت‌های زیاد، نجات یافته است. حدود ۲۰۰ جنگجو شدیداً مسلح طالبان به روز پنجشنبه بر دو قرارگاه آموزشی ارتش حکومت در شهر پشاور حمله کردند. آنها طی برخورد دو تن از نیروهای امنیتی را کشتند و ۲۳ تن دیگر را ربودند.

حمله کننده‌گان با سلاح‌های سنگین مانند هاوان و راکت انداز مسلح بودند. طالبان پاکستانی اعتراف کردند که آنها این حمله را انجام داده‌اند.

باوجود آنکه گروه تحریک طالبان در پاکستان با طالبان افغانستان متحد است، اما آنها یک سازمان جداگانه هستند. طالبان پاکستانی در تمام مناطق کشور دست به حملات تروریستی بر نیروهای امنیتی و نیز بر افراد ملکی مانند شیعه‌ها می‌زنند.

ایالات متحده آمریکا برطالبان و متحدین افراطی آنها در مناطق قبایلی پاکستان منظمًا با راکت‌ها توسط هواپیماهایی بدون سرنشین حمله می‌کنند.

همزمان با ربودن پولیس‌ها، طالبان پاکستان اعلام کرده‌اند که آماده مذاکره با حکومت هستند. حکیم الله مسعود، رهبر «تحریک طالبان پاکستان» طی یک پیام ویدئویی ۵۲ دقیقه‌ای گفته بود که آنها آماده مذاکرات «جدی» هستیم، اما او خلع سلاح گروه اش را به عنوان پیش شرط مذاکرات «خنده‌آور» خواند.

برخلاف حکومت افغانستان، حکومت پاکستان تا هنوز برای طالبان پیشنهاد مذاکره نکرده است.

## زرداری از انتشار گزارش

### پرونده ترور بوتو جلوگیری کرد



رئیس جمهوری پاکستان از وزیر داخله‌اش خواست تا از انتشار سراسری گزارش مربوط به ترور بی‌نظیر بوتو، خودداری کند.

به گزارش خبرگزاری پی‌تی‌وی، آصف علی زرداری، رئیس جمهوری پاکستان در نشست کمیته مرکزی اجرایی حزب حاکم «مردم پاکستان» رحمان ملک، وزیر داخله پاکستان را از انتشار عمومی گزارش مربوط به ترور بی‌نظیر بوتو منع کرد. این اقدام در پی افزایش اختلافات میان زرداری و مالک صورت گرفته است.

رحمان ملک پیشتر به رسانه‌ها گفته بود که تمایل دارد تا این گزارش را در پنجمین سالگرد ترور بی‌نظیر بوتو به صورت عمومی منتشر کند.

بوتو در جریان کمپین انتخاباتی در راولپنڈی در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۷ به دلیل حمله انتحاری ترور شد.

ملک قصد داشت تا این گزارش را در نشست حزب مردم پاکستان منتشر کند.

مالک قصد داشت تا کپی‌هایی از این گزارش را میان رهبران حزب و خبرنگاران پخش کند.

# فرار از جنگ داخلی در سوریه

دوچپه‌وله

دایره جنگ داخلی سوریه هم‌اینک به میان کردها نیز کشیده شده و منازعه بین جناح‌ها و گروه‌های مختلف کرد را دامن زده است. علاوه بر پ‌ک‌ک و اتحادیه دموکراتیک کردستان، پای دولت اقلیم کردستان نیز به بحران باز شده است.

اقلیم کردستان از شورشیان سوریه حمایت می‌کند. آسو هردی، هدف این حمایت را تضمین نفوذ این دولت در مناطق کردنشین سوریه پس از سقوط اسد می‌داند.

نگرانی کردهای سوری از تحولات آتی

محمد اعتقاد دارد که ارتش آزاد سوریه، مردم شمال شرقی این کشور را تنها به دلیل کرد بودن خواهد کشت. او می‌گوید هیچیک از دوستان و اقوامش

به گروه‌های متخاصم سوری نپیوستند، زیرا منطقه کوچک است و همه یکدیگر را می‌شناسند. جنگ داخلی سوریه کردهای این کشور را بر سر یک دو راهی قرار داده است. بخشی از کردها از رژیم اسد پشتیبانی می‌کنند و بخشی دیگر در کنار شورشیان علیه رژیم می‌جنگند. تنها وجه مشترک آنها آرزوی خودمختاری است.

گروه‌های مختلف کرد در منطقه، اواخر نوامبر سال ۲۰۱۲ پیمانی برای پیشگیری از گسترش منازعه امضا کرده‌اند. اما کمتر کسی به رعایت این پیمان خوشبین است. بیشتر ناظران در اقلیم کردستان، نگران سرایت بحران سوریه به عراق هستند.

آنها از جمله به مناسبات حسنه دولت مرکزی عراق با ایران و بشار اسد اشاره می‌کنند و می‌گویند حمایت اقلیم کردستان از شورشیان سوریه می‌تواند به تنش‌های درونی در دولت عراق بیانجامد.



روزانه صدها نفر کرد سوری برای در امان ماندن از آتش جنگ داخلی به شمال عراق می‌گریزند. این در حالی است که دامنه نبرد شورشیان و کردها می‌تواند به عراق نیز کشیده شود و بین دولت مرکزی و اقلیم کردستان تنش بیافریند.

محمد یک کرد سوری است که از خدمت نظام وظیفه شانه خالی کرده و شبانه به عراق گریخته است. او می‌گوید نمی‌خواسته با خدمت در ارتش، مجبور به کشتن زن‌ها و بچه‌ها شود.

محمد ۲۷ سال دارد و از اپریل ۲۰۱۲ در اردوگاه آوارگان شهر دهوک به سر می‌برد. به نقل از نهاد حمایت از پناهندگان سازمان ملل، حدود ۶۷ هزار

کرد سوریه به اقلیم کردستان عراق پناه آورده‌اند. کردهای سوریه یا در اردوگاه یادشده به سر می‌برند یا نزد خویشاوندان و دوستان خود رفته‌اند.

بسیاری از این افراد در جستجوی کار و امنیت به اقلیم کردستان آمده‌اند. خدییر دومله، روزنامه‌نگار کرد می‌گوید: «در سوریه نه کار هست، نه نان و نه هیچ چیز دیگر». گروه پرشماتر کردهای سوریه اما از ترس جان و از بیم جنگ به عراق گریخته‌اند.

محمد در حلب درس خوانده و مهندس است. او بمباران شهر، عملیات تک تیراندازان و وحشتی روزمره را دیده و چشمیده است. در خلال مدتی که حلب در آتش جنگ می‌سوخت، شهرستان زادگاه محمد در شمال شرقی سوریه از تنش‌ها دور مانده بود. بخش بزرگی از اقلیت کرد سوریه ساکن این منطقه‌اند اما اینک دامنه درگیری شورشیان و نیروهای اسد به آنجا هم کشیده شده است.

نقش پ‌ک‌ک در بحران سوریه

محمد می‌گوید که «آنها» خانه پدری او را خراب کرده و مغازه‌ها را غارت کرده‌اند. منظور محمد از «آنها» نیز شورشیان مخالف اسد است. شمال سوریه در هفته‌های اخیر صحنه درگیری بین آنها و اعضا و هواداران حزب «اتحادیه دموکراتیک کردستان» بوده است.

این حزب شاخه سوری حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) است و جزو متحدان اسد به شمار می‌رود. رژیم اسد در ماه‌های گذشته، سربازان خود را از بخش‌های وسیعی از مناطق کردنشین خارج کرد و منطقه را به کردها واسپرد. شورشیان سوری به همین دلیل در پی سرکوب کردها برآمده‌اند، چون آنها را همدست اسد می‌شناسند.

آسو هردی، سردبیر یک نشریه کردی در اقلیم کردستان عراق می‌گوید که پ‌ک‌ک نقش بسیار خطرناکی در بحران سوریه ایفا کرده است. او اعتقاد دارد که شورشیان در صورت سقوط اسد، انتقام شدیدی از کردها خواهند گرفت.



بخش نخست

## زنده‌گی بدون موبایل و انترنت، هرگز!

فرانک فراهانی جم

حتماً بارها با این صحنه روبرو شده‌اید که موبایل تان را گم کرده‌اید، سرگردان به این طرف و آن طرف می‌روید تا آن را پیدا کنید.

در این شرایط انگار هیچ کار دیگری نمی‌توانید انجام بدهید. آرام نمی‌گیرید. بلافاصله از طریق تلفون ثابت خانه یا محل کارتان و یا از طریق گوشی موبایل دیگری که در نزدیکی شماست، شماره موبایل تان را می‌گیرید تا آن را پیدا کنید.

به انترنت هم همین‌طور وابسته هستید؛ اگر یک روز خط انترنت شما قطع باشد، یا کامپیوتر شما مشکلی پیدا کرده باشد، تمام برنامه زنده‌گی تان به هم می‌ریزد و فکر می‌کنید از هیچ کجا خبری ندارید. فناوری به گونه‌ی بد، زنده‌گی شما را تحت تاثیر خود قرار داده است.

از نخستین ساعات روز که با صدای ساعت دیجیتال موبایل تان از خواب بیدار می‌شوید تا واپسین ساعات شب که پس از گشتی در دنیای خبرها به خواب می‌روید، در سایه فناوری‌های مدرن و امروزی، روز خود را به انتها می‌رسانید.

در چند دهه گذشته، زنده‌گی از این رو به آن رو شده است و این فناوری‌ها و اختراعات جدید، تغییرات قابل توجهی را در سبک زنده‌گی ما ایجاد کرده‌اند.

اگر بخواهیم وضعیت زنده‌گی امروزمان را با وضعیت زنده‌گی پدرکلان‌ها و مادرکلان‌های مان مقایسه کنیم، تفاوت‌های بسیاری را در آن‌ها می‌یابیم.

این امکانات و ارتباطات مدرن که نبود هر کدامشان برای ما به معنی یک فاجعه بزرگ است؛ حتا در تصور افرادی که ده‌ها سال پیش زنده‌گی کرده‌اند هم نمی‌گنجید، چه رسد به این‌که به اهمیت و نقش آن‌ها در زنده‌گی واقف باشند.

کمپیوتر، انترنت، موبایل و... از نمادهای اصلی فناوری‌های امروزی هستند که بی‌تردید بیش‌ترین تاثیر را بر روند زنده‌گی کنونی انسان‌ها دارند.

به‌رغم این‌که محققان و دانشمندان، بارها درباره پیآمدهای امواج خطرناک این ابزار بر روند سلامت ما انسان‌ها هشدار داده‌اند، ولی هیچ‌یک از ما حاضر نیستیم حتا به‌خاطر سلامتی مان هم که شده، یک روز بدون گوشی موبایل مان در دانشگاه یا محل کارمان حاضر شویم، از کمپیوتر استفاده نکنیم یا به انترنت دسترسی نداشته باشیم.

داستان همراه‌های همیشه‌گی

زنده‌گی روزمره ما به قدری به موبایل وابسته شده است که می‌توان گفت اغلب مردم بدون وجود آن، قادر به ادامه روند طبیعی زنده‌گی خود نخواهند بود. اگرچه به نظر می‌رسد گروه سنی نوجوان و جوان بیش‌ترین شمار کاربران موبایل را دارند، اما حقیقت این است که این وابسته‌گی میان گروه‌های سنی مختلف همه‌گیر شده است.

در دنیای امروز که مشغله‌های زنده‌گی مانع دید و بازدیدهای خانوادگی و دوستانه می‌شود، چنین ابزارهایی موجب تسهیل روابط اجتماعی افراد می‌شوند، چرا که این فناوری همیشه همراه، می‌تواند وسیله ارتباطی مناسبی برای جویا شدن از احوال هم‌دیگر باشد.

اما بر خلاف آنچه به نظر می‌رسد، همه چیز به این خوبی پیش نمی‌رود، چون عده‌ی دیگر بر این باور اند که مانوس شدن بیش از حد به این فناوری‌ها و امکانات، مانع ایجاد رابطه‌ی صمیمانه میان اعضای خانواده می‌شود.

در حقیقت، زنده‌گی خانواده‌گی بر اثر استفاده از ابزارهایی مانند رایانه، انترنت و موبایل به‌طور مستقیم تحت تاثیر قرار نگرفته است، بلکه این تاثیرات ناشی از برقراری تماس‌های تلفونی متعدد، ارسال و دریافت نامه‌های شخصی از طریق صندوق پست الکترونیک، ارسال و دریافت پیامک و دیگر اشکال جدید ارتباطی است که بر روابط اعضای خانواده سایه انداخته و روابط واقعی اجتماعی افراد را زیر سوال برده است؛ روابطی که تنها به ارسال یک پیامک، دیدارهای مجازی یا در بهترین شکل ممکن، به برقراری یک تماس تلفونی محدود می‌شود.

قطع رابطه عاطفی

از سوی دیگر، نظرسنجی‌های انجام شده نشان می‌دهد اغلب خانواده‌ها از حضور فناوری‌های نوین ارتباطی در زنده‌گی خانوادگی خشنود هستند، چرا که به کمک آن‌ها می‌توانند در طول روز و در مدت زمانی که از هم‌دیگر دور هستند، بدون هیچ نگرانی از حال هم با خبر باشند و به هم‌دیگر دسترسی داشته باشند.

به عبارت دیگر، عدم حضور فیزیکی افراد خانواده، منجر به قطع رابطه عاطفی میان اعضای خانواده نمی‌شود.

وقتی ارنی وایز سال ۱۸۹۵ میلادی نخستین مکالمه تلفونی را به نام خود به ثبت رساند، تصور نمی‌کرد این پدیده تا این اندازه بر رفتار و سبک زنده‌گی انسان‌ها تاثیرگذار باشد.

به نظر شما چنین رابطه‌ی از نوع مجازی که به سرعت در حال رشد و توسعه است، یک رابطه لازم و ضروری است یا می‌توان بدون وجود فناوری‌های ارتباطی به زنده‌گی در جامعه‌ی که بر مبنای روابط حقیقی انسان‌ها بنا شده است، ادامه داد؟

نکته: گویی همه ما به نوعی شرطی شده‌ایم. به محض این‌که صدای موبایل را می‌شنویم یا صدایی مبنی بر ارسال پیامکی جدید شنیده می‌شود، بی‌اختیار به دنبال موبایل مان می‌گردیم. اگرچه می‌دانیم صدا از گوشی ما نبوده است، اما ناخودآگاه نگاهی به نمایشگر آن می‌اندازیم تا ببینیم تماس ناموفق یا پیامکی داشته‌ایم یا نه. اگر هم یک روز هیچ کس با ما تماس نگیرد یا پیامکی برای مان ارسال نشود، احساس تنهایی می‌کنیم.

بخش هشتمادوینجم

## در مسیر پیروزی

حامد علمی

شد، در حالی که همه به این باور بودند که شورا به‌خاطر انتقام‌گیری و اهانتی که صورت گرفت، دست به عکس‌العمل نظامی خواهد زد.

با درگیری حزب اسلامی و حکومت پروفیسور برهان‌الدین ربانی در اواسط سال ۱۹۹۲، شورای ننگرهار یک بار دیگر وارد عمل شد و با فرستادن حاجی شمالی‌خان معاون شورا و رییس امنیت ولایت ننگرهار به حیث میانچی، خواستند تا طرفین کنار بیایند و یا حداقل آتش‌بس برقرار شود.

هیأت شورای ننگرهار با مساعی فراوان سرانجام موفق شد که در زمستان همان سال موافقه هر دو طرف درگیر یعنی حزب اسلامی و وزارت دفاع افغانستان را به‌خاطر تشکیل خط حایل میان هر دو جبهه حاصل نماید. حاجی شمالی‌خان اعلان کرد "با فرماندهان ده ولایت اطراف کابل، مذاکراتی صورت گرفته و آنان توافق نموده‌اند که به‌خاطر تشکیل خط حایل باید در مرحله نخست دوهزار مسلح از هر یک ولایت چون ننگرهار، کنر،

به شمالی‌خان وعده نموده بود که او را در حکومتش به عنوان قوماندان عمومی ژاندارم و پولیس مقرر نماید. (۲۲) شورای ننگرهار این پیشنهاد را نوع تضمین خوانده و بالای حرکات و فعالیت‌های سیاسی و نظامی شمالی‌خان مشکوک شدند. شورا به اتهام این‌که شمالی‌خان و همراهانش می‌خواهند در جلال‌آباد کودتا نمایند، امر نابودی او را صادر کردند و یکی از فرماندهان شورا وظیفه گرفت تا او را به گلوله ببندد. حاجی شمالی‌خان در روز ۶ سپتمبر ۱۹۹۳ هنگامی که از جلسه شورا فارغ شده بود و می‌خواست به قرارگاهش برود، در عقب محبس شهر جلال‌آباد به راکت بسته شد و با برادر و شش تن از همراهانش کشته شد. (۲۳)

کشته شدن شمالی‌خان، ضربات کوبنده‌ی به شورای ننگرهار وارد ساخت و دشمنی عمیق و خونینی را به‌جا گذاشت، طوری که برادران حاجی شمالی‌خان تعهد سپردند که قاتلین او را یک به یک از بین ببرند.

برادران حاجی شمالی‌خان به سرربی رفته و از قوماندان حزب اسلامی به‌نام زرداد که از نزدیکان شمالی‌خان بود، کمک خواستند. نیروهای شمالی‌خان و زرداد به مراکز شورای ننگرهار در شاهراه کابل - جلال‌آباد حمله کردند و جنگ خونینی در گرفت و حاجی منجی‌خان برادر شمالی‌خان اعلان کرد که به‌خاطر انتقام برادرش به طرف شهر جلال‌آباد پیشروی می‌نماید و تا زمانی که شورا مسوولین قتل برادرش را به‌دست وی نسپارد، آرام نخواهد نشست. (۲۴)

جنگ شدید در سرربی باعث کشته شدن حداقل دوصد نفر از اهالی و افراد هر دو طرف گردید. (۲۵) دو قوماندان ارشد شورای سرتاسری قوماندانان هر یک مولوی جلال‌الدین حقانی و حاجی عبدالحق به سرربی رفتند تا بین طرفین صلح نمایند و در هراس بودند که سایر تنظیم‌ها و گروه‌های جهادی به این جنگ خونین کشانیده نشوند و مناسبات میان دولت اسلامی و حزب اسلامی که رو به بهبود نهاده بود، دوباره قربانی این زد و خورد نگردد. قوماندان حقانی از سرربی برگشته و در مصاحبه‌ی گفت: "قتل شمالی و برادر و همراهانش باعث شد که جنگ میان قوم احمدزی و شورای جلال‌آباد آغاز شود. این نظر که گویا در این جنگ دولت و حکمتیار دست دارند، درست نیست. اگر از جانب اشخاص اشاره یا تحریک می‌شوند، نمی‌دانم؛ اما در ظاهر در این جنگ دولت و حکمتیار دخالت ندارند، زیرا شخصی که به‌نام زرداد یاد می‌شود و قوماندانان وی را مربوط حزب حکمتیار می‌دانند، پسرکاکای شمالی‌خان بوده و از قوم احمدزی و کوچی است." (۲۶)

اگرچه در جنگ سرربی، دولت و حزب اسلامی سهم نداشتند؛ ولی دامنه جنگ طوری که پیش‌بینی می‌شد، وسیع گردید و ساحات ماهی‌پر، سرربی و تکاب در آتش جنگی خونین سوخت.

قتل شمالی‌خان و دسایسی که از خارج و داخل علیه این ولایت چیده می‌شد و اشتباهات مسوولین شورا، باعث شد که این ولایت مهم و باامن، ناآرام گردیده و قربانی توطیه‌ها و فدای هوس‌های چند نابخرد شود و بر اساس گفته یک نشریه بیرون‌مرزی افغانستان، جلال‌آباد به مرکز ترور و ظلم و قاجاق‌بری مبدل گردد. نشریه، مسوولین شورای ننگرهار را به باد انتقاد گرفته و مثال‌های فراوانی را بیان نموده و آن‌ها را خاین، قاجاق‌پر، دزد، قاتل، مزدوران پاکستان و فسادپیشه خواند. (۲۷)



لغمان، پکتیا و پکتیکا به کابل بیایند. ما به فرماندهان ولایات متذکره دستور دادیم تا یک هفته دیگر تمام قوت‌های صلح را به کابل ارسال کنند. (۲۱) ولی عدم همکاری، رسیدن زمستان سرد کابل و نبود وسایل لوژستیک، مانع تکمیل این برنامه گردید و چند تنی که برای این منظور به جنوب کابل آمده بودند، خودسرانه مواضع‌شان را ترک کرده به وخامت اوضاع افزودند."

در اپریل سال ۱۹۹۳ شورای ننگرهار یک بار دیگر در آزمون دشوار قرار گرفت و آن، اجتماع رهبران گروه‌های مختلف به‌خاطر تشکیل حکومت بود. شورا با بی‌طرفی کامل رهبران گروه‌ها را میزبانی نموده و به انواع مختلف تشویق و تهدید، آن‌ها را مجبور ساخت تا روی طرحی موافقه و اختلافات را کنار بگذارند.

شورای ننگرهار در اواسط سال ۱۹۹۳ بار دیگر یکی از معاونینش به نام انجنیر محمود را به کابل فرستاد تا میان گروه‌های درگیر در کابل صلح برقرار سازد.

اگرچه شورای ننگرهار با جدیت تمام می‌کوشید تا میان گروه‌های متخاصم در داخل شهر کابل صلح صورت گیرد، ولی نیروهای درگیر در کابل دامنه نفاق‌شان را به ننگرهار و سایر ولایات نیز صادر کردند و به اساس گزارش‌های منابع مختلف، انجنیر گلبدین حکمتیار امیر حزب اسلامی

تاسیس شورای ننگرهار را می‌توان یکی از حادثات بس مهم در تحولات سیاسی - نظامی جهاد افغانستان دانست. اگرچه این شورا از بدو تشکیل تا سقوط حکومت داکتر نجیب در اپریل ۱۹۹۲ هیچ‌گونه دستاورد مهم نظامی نداشت، با آن‌هم کنار گذاشتن اختلافات قبلیه‌ی دیرین در ولسوالی‌هایی مانند خوگیانی، جلسات پی هم شورا، جلب کمک‌ها برای بازسازی آن ولایت، تعیین رییس، معاون و مسوولین بخش‌های مختلف آن را می‌توان از فعالیت‌های عمده قبل از پیروزی جهاد در آن ولایت ذکر کرد.

با نزدیک شدن حکومت داکتر نجیب به سقوط، سهم و نقش شورای ننگرهار در مسیر پرتلاطم حوادث اخیر کشور نیز بارزتر و بااهمیت‌تر می‌شد. به ویژه زمانی که شهر جلال‌آباد در ۲۳ اپریل ۱۹۹۲ به‌دست مجاهدین افتاد، لیاقت و کاردانی و از خودگذری اعضای شورای ننگرهار و مسوولین آن جلب نظر نمود؛ چه آن ولایت بزرگ با داشتن وسایل حربی و

اداری فراوان نظر به سایر ولایات، تقریباً دست‌ناخورده باقی ماند و بعد از دو سه روز هرج‌ومرج مختصر، اعضای شورای جهادی ننگرهار بدون کدام درگیری خونین بر پست‌های دولتی جا گرفتند و زمانی که کاروان مجاهدین به رهبری پروفیسور صبغت‌الله مجددی در ۲۷ اپریل سال ۱۹۹۲ از آن شهر می‌گذشت، شهر در آرامش کامل قرار داشت و رییس‌جمهور و همراهان‌شان با خاطر آسوده رهسپار کابل شدند.

شورای ننگرهار با درایتی خاص توانست پس از تاسیس حکومت اسلامی در افغانستان، بی‌طرفی‌اش را در زدوبندها و جنگ‌های داخلی گروه‌های جهادی حفظ کند؛ اگرچه طرفین می‌خواستند به هر قیمتی که شده، اعضای شورا را به طرفداری خویش داخل جنگ سازند.

هیأت شورای ننگرهار برای نخستین‌بار در هفته اول تاسیس حکومت اسلامی به کابل آمد و می‌خواستند به حضور پروفیسور مجددی برای عرض تبریک برونند، ولی حادثه ناگواری در نزدیکی مکروریان رخ داد، طوری که یک گلوله به طرف هیأتی که منتظر داخل شدن به کابل بودند، شلیک و یکی از محافظین شورای ننگرهار کشته شد. اما شورا خون‌سردی خویش را حفظ نمود و بدون درگیری رهسپار جلال‌آباد

خیام و حافظ دو ستاره تابناک آسمان ادب از جمله نام‌آورترین پارسی‌سرایان در درازنای تاریخ به شمار می‌آیند. با این که این دو سخن‌سرای نامدار در دو برهه زمانی متفاوت از یکدیگر می‌زیسته‌اند، اما تشابه‌هایی فراوان در افکار و اقوال آنان دیده می‌شود که سبب شده است ادب‌پژوهانی چون شبلی نعمانی در شعر العجم، بهاءالدین خرمشاهی در حافظ‌نامه، محمد امین ریاحی در گلگشت در شعر و اندیشه حافظ و تنی چند دیگر از نامداران این عرصه، حافظ را خیامی دیگر بخوانند و بدانند.

امیر نعمتی لیمایی

اما آیا به‌راستی این‌گونه بوده و حافظ را به سبب همسانی برخی اندیشه‌هایش با خیام، خیامی دیگر باید خوانند؟ نگارنده بر آن باور است که افکار خیام و حافظ واجد بسی ویژگی‌های مشترک است، اما ناهمسانی گفتار و پندار آن دو نیز کم نیست و از این رهگذر تلاش می‌دارد با بیان برخی از موارد افتراق به تبیین این مدعا بپردازد. با وجود این، در وهله نخست سخن از برخی اشتراکات خیام و حافظ خواهد گفت و آن‌که رو به سوی ارابه شماری از موارد اختلاف خواهد نهاد، چرا که ناگفته پیدا است تا تشابه‌ها ملموس نشوند، ذکر حدیث تفاوت‌ها بی‌معنی جلوه‌گر خواهد شد.

**الف: همسانی‌های افکار خیام و حافظ**

در شعر خیام مضامینی چندگانه دیده می‌شود که همان مفاهیم در سروده‌های حافظ نیز دیده می‌شود و از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- حیرت در کار جهان و عدم آگاهی از رمز و راز آن: یکی از ویژگی‌های اصلی تفکر خیامی حیرت ناآگاهی از کار جهان است:

در دایره‌ی کامدن و رفتن ماست/ آن را نه بدایت نه نهایت  
پیداست / کس می‌زند دمی در این معنی راست/ کاین آمدن  
و رفتن به کجاست

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من/ وین خط مفرط نه تو  
خوانی و نه من

حافظ نیز به‌سان خیام میبوت است و تشابه فکری آن دو بسی نمایان و از جمله در ابیات زیر:

ساقیا جام میم ده که نگارنده غیب/ نیست معلوم که در پرده  
اسرار چه کرد

عبان نشد که چرا آمدم کجا بودم/ دریغ و درد که غافل  
ز کار خویشتم

۲- چون و چرا در کار خلقت: دیگر ویژه‌گی اندیشه خیام، چون و چرا در کار خلقت است. او حکمت آفرینش را در نمی‌یابد و به این سبب در این‌باره بسیار سخن گفته است:

دارنده چون ترکیب طبایع آراست/ از بهر چه او افکنده  
اندر کم و کاست/ گر نیک آمد شکستن از بهر چه بود/ و  
نیک نیامد این صور عیب کراست

حافظ هم چون‌وچرای بسیاری در اشعارش درباره اسرار دنیا داشته است، از آن جمله می‌توان ابیات زیر را گواه آورد:

ز سر غیب کس آگاه نیست قصه مخوان/ کدام محرم دل ره  
در این حرم دارد/ وجود ما معمایی ست حافظ/ که تحقیقش  
فسون هست و فسانه

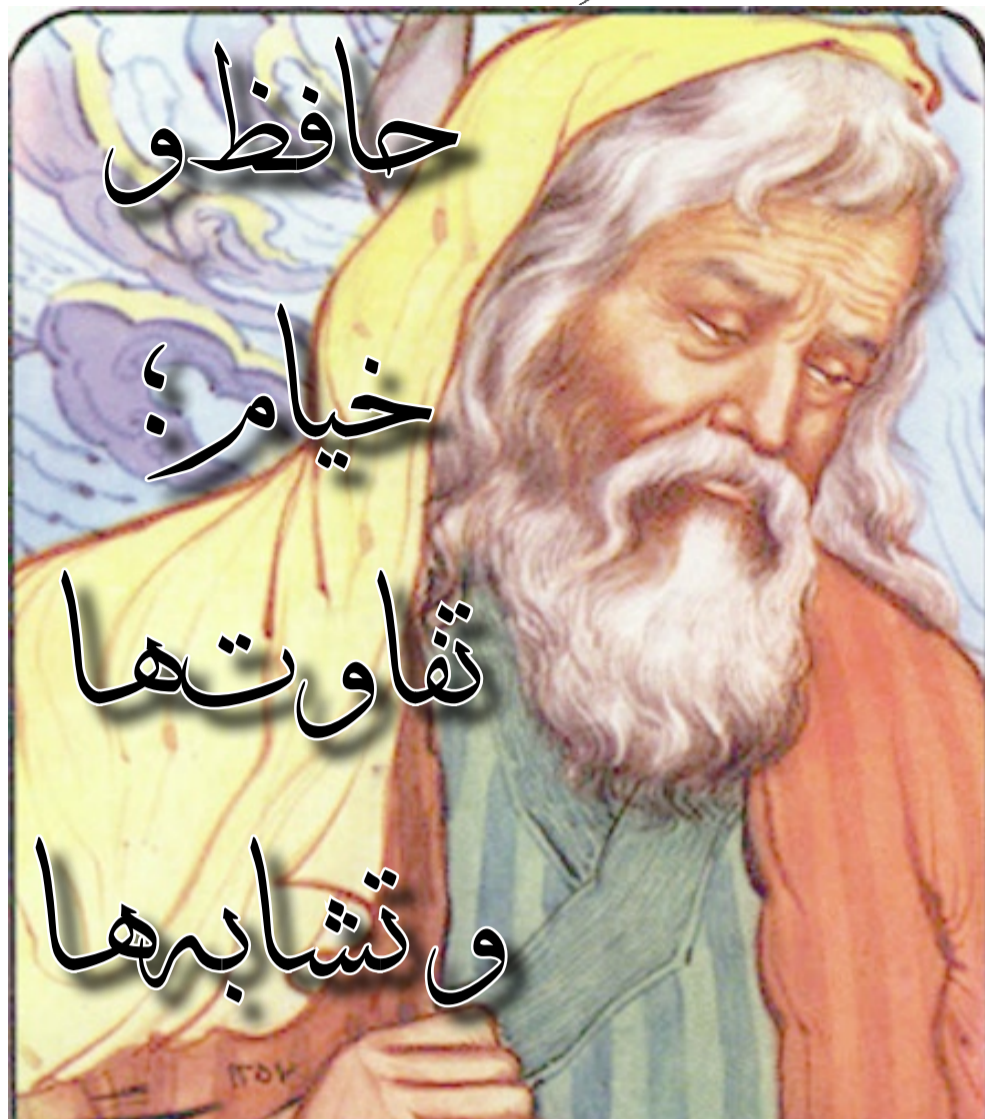
این چه استغناست یارب وین چه قادر حکمت است/  
کاین همه زخم نهان هست و مجال آه نیست

۳- ناپایداری جهان: مرگ و زوال در شعر خیام واجد نمودی برجسته است. یاد مرگ در شعر او به‌طور معمول با گریزها و کنایه‌های شاعرانه به سبزه، سبو و یادکرد درگذشت صاحبان قدرت و پری‌چهره‌گان همراه است:

هان کوزه‌گرا بپای اگر هوشیاری/ تا چند کنی بر گل آدم  
خواری/ انگشت فریدون و کف کیخسرو / بر چرخ نهاده‌ای  
چه می‌پنداری

هر سبزه که بر کنار جویی رسته است/ گویی ز لب  
فرشته‌خویی رسته است/ پا بر سر سبزه تا به خواری نهی/  
کان سبزه ز خاک لاله‌رویی رسته است

حافظ نیز بر ناپایداری جهان پای فشرده و در بسیاری موارد، گفتمان خویش را خیام‌گونه بیان داشته است:



قدح به شرط ادب گیر زآن‌که ترکیبش/ ز کاسه سر جمشید  
و بهمن است و قباد  
روزی که چرخ از گل ما کوزه‌ها کند/ زنهار کاسه سر ما  
پر شراب کن

۴- شادی طلبی و عشرت‌جویی: به باور خیام، دنیا فاقد اعتبار است و انسان نمی‌تواند دریابد سرانجامش در دوران پس از مرگ چه خواهد بود؛ بهترین کار غنیمت شمردن وقت به شادی و قدر دانستن زمان به عیش است:

ای دل غم این جهان فرسوده مخور/ بیهوده نه غمان بیهوده  
مخور/ چون بوده گشت و نیست نابوده پدید/ خوش باش  
غم بوده و نابوده مخور

دهقان قضا بسی چو ما کشت و درود/ غم خوردن بیهوده  
نمی‌دارد سود/ پر کن قدح می‌بکفم درنه زود/ تا بازخورم  
که بودنی‌ها همه بود

در اشعار حافظ نیز می‌توان رد پای تفکر خیامی را به عینه دریافت و به راحتی پی برد که او نیز بر شادجویی و شادزیستی تأکید دارد:

اگر غم لشگر انگیزد که خون عاشقان ریزد/ من و ساقی  
به‌هم سازیم و بنیادش براندازیم/ چو در دستت رودی  
خوش بزن مطرب سرودی خوش/ که دست‌افشان غزل  
خوانیم و پاکوبان سر اندازیم

۵- جبرگرایی: اعتقاد به جبر خصیصه‌ی است که در اشعار خیام کاملاً جلوه می‌نماید. از منظر او، انسان دست‌خوش بازی تقدیر است و همه امور به حکم و اراده تقدیر جریان می‌یابند:

بر من قلم قضا چو بی من راندند/ پس نیک و بدش چرا ز  
من می‌دانند/ دی بی من و امروز چو دی بی من و تو/ فردا

# حافظ و

# خیام؛

# تفاوت‌ها

# و تشابه‌ها

به چه حجت‌ها به داور خوانند

زین پیش نشان بودنی‌ها بوده است/ پیوسته قلم ز نیک و  
بد فرسوده است/ در روز ازل هر آن‌چه بایست بداد/ غم  
خوردن و کوشیدن ما بیهوده است

دیوان لسان‌الغیب شیراز، حافظ نیز سرشار از اشعار مرتبط  
با جبر است و به‌وضوح تمایلات جبرگرایانه او را نمایان  
می‌سازد:

در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود/ کاین شاهد بازاری  
وین پرده‌نشین باشد  
نیست در دایره یک نقطه خلاف از کم و بیش/ که این مساله  
بی‌چون و چرا می‌بینم

**ب: ناهمسانی‌های شعر خیام و حافظ**

علاوه بر موارد یادشده در شعر حافظ، جلوه‌هایی چندگانه  
رخ می‌نماید که در شعر خیام اثری از آن‌ها دیده نمی‌شود یا  
اگر هم مشاهده گردد، کم‌رنگ و ابتر می‌نماید و از آن جمله  
می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

**نکته:** به باور حافظ ریا و دورویی جزئی از صفات اخلاقی  
بسیاری از مردمان معاصرش شده بود. بدین جهت، او بر  
صوفیان پشمینه‌پوش دروغین تاخت و نازاهدان زاهدان را  
ملامت نمود. درحقیقت، حافظ از سالوس نفرت داشت و  
ریا را شرک خفی برمی‌شمرد

۱- اعتقاد راسخ حافظ به معاد: آخرت‌اندیشی و معادگرایی  
حافظ با وجود شک و شبهه‌های کم‌رنگ و شیرینش، از  
محکمات شعر او است:

هست امیدم که علی‌رغم عدد روز جزا/ فیض عفوش نهند  
بار گنه بر دوشم  
از نامه سیه نترسم که روز حشر/ با فیض لطف او صد توان

از این نامه طی کنم  
این در حالی است که اعتقاد به جهان دیگر در رباعی‌های  
خیام حالت ابهام دارد:

گویند مرا که دوزخی باشد مست/ قولی است خلاف دل  
در آن نتوان بست/ گر عاشق و میخواره به دوزخ باشد/ فردا  
ببینی بهشت همچو کف دست

من هیچ ندانم که مرا آن‌که سرشت/ از اهل بهشت کرد یا  
دوزخ و بهشت/ جامی و بتی و بربطی بر لب کشت/ این هر  
سه مرا نقد و ترا نسبه بهشت

۲- ستایش عشق در شعر حافظ: حافظ پیرو مکتب عشق  
بود، عشق را مایه امتیاز انسان می‌دانست و تمام سیر و  
سلوک شخصی خویش را بر پایه آن بنیاد نهاد:

طفیل هستی عشقند آدمی و پری/ ارادتی بنما تا سعادت  
ببری  
هر آن کسی که در این جمع نیست زنده به عشق/ بر او  
نمرده به فتوای من نماز کنید

در شعر خیام به‌رغم آن که سخن از خویریان و پریریان و  
لب لعل و اصطلاحاتی چنین بسیار است، اما توجه چندانی  
به عشق به‌ویژه نوع عرفانی آن نشده و اگر هم سخنی در این  
باره گفته آمده، بیشتر درباره شادجویی و عیش این جهانی  
است. شگفت آن‌جاست که در کل رباعیات خیام به اندازه  
انگشتان دو دست نیز از عشق و ترکیبات آن نام برده نشده  
و اگر هم به‌ندرت یادی شده، هیچ‌گاه در ستایش آن نبوده،  
بلکه بیشتر بر نشان از تأکید بر شادخواهی و یا نمایان  
ساختن هیبت مرگ دارد.

رباعی‌های زیر بر درستی این دعوی گواه اند:  
گویند هر آن کسان که باپرهیزند/ ز انسان که بمیرند چنان  
برخیزند/ ما با می و معشوقه از آنیم مدام/ باشد که به  
حشرمان چنان انگیزند

این کوزه چو من عاشق زاری بوده است/ در بند سر زلف  
نگاری بوده است/ این دسته که بر گردن او می‌بینی/ دستی  
است که بر گردن یاری بوده است

۳- انتقاد از زهد و تصوف ریاکارانه در شعر حافظ: به باور  
حافظ ریا و دورویی جزئی از صفات اخلاقی بسیاری از  
مردمان معاصرش شده بود. بدین جهت، او بر صوفیان  
پشمینه‌پوش دروغین تاخت و نازاهدان زاهدان را ملامت  
نمود. درحقیقت، حافظ از سالوس نفرت داشت و ریا را  
شرک خفی برمی‌شمرد:

گرچه بر واعظ شهر این سخن آسان نشود  
تا ریا ورزد و سالوس مسلمان نشود  
دل‌م از صومعه بگرفت و خرقة سالوس  
کجاست دیر مغان و شراب ناب کجا

واعظان کاین جلوه در مجراب و منبر می‌کنند  
چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند  
چنین مفهومی در شعر خیام به تقریب اصلاً وجود ندارد.  
حتا می‌توان با کمی اغماض گفت، خیام نه تنها به زهد  
ریاکارانه توجهی معطوف نداشته است، بلکه برعکس به  
سبب اصرارش بر شادجویی بر زاهدان راستین نیز تاخته  
است.

قومی متفکرند اندر ره دین/ قومی به گمان فتاده در راه  
یقین/ می‌ترسم از آن‌که بانگ آید روزی/ کای بی‌خبران راه  
نه آنست و نه این

۴- تبلیغ اعتدال و میانه‌روی در شعر حافظ: رعایت تعادل و  
میانه‌گری راهی است که حافظ به اجرای آن در انجام هر  
کاری توصیه و سفارش می‌کند:

دلا دلالت خیرت کنم به راه نجات  
مکن به فسق مباحات و زهد هم مفروش  
زیادتی مطلب کار بر خود آسان گیر  
صراحی می لعل و بتی چو ماهت بس

در تفکر خیام، نشانی از اعتدال و میانه‌روی نمی‌توان جست،  
بلکه بالعکس این زیاده‌جویی به‌ویژه در شادی است که خیام  
تبلیغ می‌نماید:

گر یک نفست ز زنده‌گانی گذرد/ مگذار که جز به شادمانی  
گذرد/ هشدار که پرمايه سودای جهان/ عمر است چنان کش  
گذرانی گذرد

**برآیند سخن**  
بی‌گمان مراتب تشابه و تفاوت افکار خیام و حافظ بسی  
بیش از این است، اما چه شود که این مختصر را مجالی برای  
هویدا ساختن تمام آن‌ها نیست.

به عنوان برآیند سخن می‌توان گفت با وجود تمام تشابه‌های  
گفتمان‌های خیام و حافظ، در بسیاری از موارد آن دو در  
مسیرهایی جدا از هم طی طریق می‌کردند. به عبارت دیگر،  
اندیشه خیام اندیشه‌ی سرشار از تردید و اعتراض است.  
به‌رغم ستایش خردورزی و تعقل، کلامش تلخ، سرد و  
به‌سان سرزنش است. او خود تا اندازه‌ی روشن‌بینانه این  
تردیدها، اعتراض‌ها، ابهام‌ها و سرزنش‌ها را پاسخ گفته  
است. نوش‌داروی وی برای درمان زخم‌هایی چنین رنج‌آور،  
خردورزی، پند گرفتن از سرنوشته گذشته‌گان، بیداردل  
ماندن و به‌ویژه بهره برگرفتن از حال است. اما کار حافظ در  
کنار ستایش خرد؛ کشیدن دست نوازش بر عشق و رندی، از  
آمال و آلام زنده و همیشه‌گی انسان سخن گفتن و پرداختن  
به مسایل ابدی انسان است. به باور حافظ دار و ندار انسان  
دنیا و آخرت است. نوش‌داروی او برای التیام آلام بشری و  
نیل انسان به آمال همیشه‌گی‌اش، عشق و رندی است که راه  
رهایی دنیوی و راز گشایش و رستگاری اخروی را نشان  
می‌دهد.

## نثار سپاهیان گمنام، که سرباختند و باور نباختند!

محمد افسر رهبین

چه شد که سینه عاشقی ز درد خالی شد  
سینه خزل از شامفرد خالی شد  
چه آمده ست بر اقلیم دل؟ که چاده صبر  
ز آتش قدیم رهزور خالی شد  
کجا شدند سواران تشنه توفان  
که دشت حادثه از لبر گرد خالی شد  
چنان به مفت پختند جمله هم‌نشان  
که شامنامه هم از نام مرد خالی شد  
چه سبزه کرده خریبانه در بهار سیاه  
که ذمین باخچه از سرخ و زرد خالی شد  
خوشا تره که شدی پرگ پرگ خاکستری  
هوای خائنه ات از گرم و سرد خالی شد

کاپل، ۵ چندی ۱۳۹۱

# خاکستر یاد



# بلا تکلیفی های انتخاباتی تا کی؟

احمد عمران

اکنون شرایط برای این مسأله مساعد به نظر می‌رسد که نخبه‌گان جامعه به سمت کاهش نامزدان و ایجاد اجماع عمومی در برنامه‌های دو یا سه نامزد مشخص گام بردارند. احزاب سیاسی کشور وظیفه دارند که در این راستا جامعه را کمک کنند و نه این‌که به تکثر نامزدان و سراسیمه‌گی‌های انتخاباتی دامن بزنند. افغانستان به این مرحله ارتقا کرده است که خواست‌ها و نیازهای خود را در محور نامزدان مشخصی که از مانور بالای سیاسی برخوردار باشند، تعریف کند.

حضور ده‌ها نامزد در انتخابات ریاست‌جمهوری، نمی‌تواند یک امر میمون سیاسی به شمار رود. به این روند باید پایان داد. پایان دادن به این روند، از راه گفت‌وگو و نشست‌های مستمر میان احزاب و جریان‌های سیاسی معتبر در کشور به دست می‌آید. افغانستان هیچ راه دیگری ندارد به جز این‌که وارد چنین مرحله از تاریخ سیاسی خود شود. اگر کسانی برای آینده افغانستان نگران‌اند، باید به این مسأله بها دهند و آن را در اولویت‌های کاری خود بگذارند.

برای انتخابات ریاست‌جمهوری آینده چه باید کرد؟ این پرسش اگر از کمیسیون انتخابات و یا نهادهای دولتی پرسیده شود، پاسخ آن‌ها مشخص است. کمیسیون انتخابات می‌گوید که باید قانون انتخابات به تصویب مجلس نماینده‌گان برسد و بعد هم زمینه‌های لازم مالی و امنیتی برای برگزاری انتخابات فراهم شود. مقام‌های بلندپایه دولتی نیز در این خصوص پاسخ خود را دارند. آن‌ها می‌گویند که دولت وظیفه دارد که شرایط و تسهیلات را برای برگزاری انتخابات به خوبی انجام دهد. نهادهای مدنی و احزاب سیاسی هم با داشتن برخی نگرانی‌ها نسبت به انجام روند انتخابات، به این

باور هستند که باید از عادلانه بودن و شفاف بودن برگزاری انتخابات کاملاً مطمئن شد. در کنار این‌ها، برخی‌ها نیز می‌گویند که ارگ ریاست‌جمهوری در پی برگزاری انتخابات نیست و هرچند در این زمینه رسماً چیزی نگفته است، ولی اوضاع و احوال کشور نشان می‌دهد که این تیم با ایجاد فضای متشنج، تلاش می‌ورزد که با برگزاری لویه‌جرگه تمام معادلات را به سود خود مصادره کند. ولی جامعه جهانی در این میان، نگرانی‌های دیگری دارد. نگرانی‌های جامعه جهانی از این‌جا نشأت می‌گیرد که چه‌گونه در سال ۲۰۱۴ انتخابات ریاست‌جمهوری در افغانستان بدون حمایت نظامی خارجی‌ها صورت خواهد گرفت. جامعه جهانی هم چنین نگران فراهم کردن منابع مالی انتخابات نیز هست؛ انتخاباتی که بدون این حمایت‌ها ممکن نیست وارد مراحل اجرایی شود.

اما چه کسی به این مسأله اندیشیده که باید برای برگزاری انتخابات سوای این نگرانی‌ها، به چیزهای مهم دیگری هم اندیشید. به نظر می‌رسد که یک بحث مهم انتخاباتی در برخی موارد کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. این مسأله ایجاد یک اجماع عمومی در مورد انتخابات ریاست‌جمهوری در کشور می‌تواند باشد. شاید مشکل اصلی در این خصوص، در بافتار پس از جنگ کشور و قانون انتخابات گذشته نهفته باشد، ولی با این‌همه باید طی این سال‌ها نسبت به آن توجه جدی صورت می‌گرفت. بسیاری از نخبه‌گان کشور در سال‌های پس از سقوط رژیم طالبان به این نظر بودند که به دلیل شرایط خاص سیاسی کشور و نبود احزاب قدرت‌مند سیاسی، باید نسبت به نامزدان مستقل که در قانون انتخابات تسجیل شده، روی خوش نشان داد. اما این تجربه در دو انتخابات ریاست‌جمهوری در کشور با وجود آن‌که ناگزیری‌هایی را به تصویر می‌کشید، ناکارآمدی و عدم موفقیت سیاسی خود را نیز نشان داد.

که در سال ۲۰۱۲ میلادی کشته شده اند به ۱۰۵۶ تن می‌رسد که یک افزایش را نسبت به سال گذشته نشان می‌دهد.»  
دست‌آورد چشمگیری  
سخنگوی وزارت دفاع می‌گوید که در جریان سال ۲۰۱۲ میلادی، نیروهای امنیتی افغان دست آوردهای چشم‌گیر داشته‌اند.

ظاهر عظیمی سخنگوی وزارت دفاع با برشمردن چالش‌هایی که پیش روی ارتش افغانستان قرار دارد، گفت: «ارزیابی‌های ما نشان می‌دهد که سال ۲۰۱۲

از صلاحیت‌های کمیسیون انتخابات است، نه از صلاحیت رییس‌جمهور؛ بنابراین صلاحیت تعویق و تعلیق انتخابات زمینه سوی استفاده را برای دوام قدرت تیم حاکم فراهم می‌کند.  
سپین‌غر گفت، در مسوده اول قانون انتخابات با ما مشوره‌هایی صورت گرفته بود، اما زمانی که مسوده به وزارت عدلیه رفت، نظریات اساسی ما مدنظر گرفته نشد و اکنون نیز چنین شده است.

به گفته او، نگرانی ما در بخش تعویق و تعلیق انتخابات بود که می‌تواند زمینه سوی استفاده را برای به تعویق انداختن انتخابات به بار بیاورد که این موضوع نیز در نظر گرفته نشده است.  
رییس اجرایی فیفا اضافه کرد، مسأله دیگر فراهم‌سازی زمینه برای حضور احزاب بود که این موضوع نیز متأسفانه در نظر گرفته نشده است.  
وی تاکید کرد، موضوع مهم دیگر حذف کمیسیون شکایات انتخاباتی است که باید جدا از چوکات هر سه قوه باشد و باید یک نهاد دایمی باشد که متأسفانه در این خصوص نیز نظر احزاب و نهادهای ملی و بین‌المللی مدنظر گرفته نشده است.

او تصریح کرد، ولی نکات خوبی هم در این مسوده دیده می‌شود، مانند شرط سواد داشتن برای نامزدان ریاست جمهوری و شورای ملی.  
براساس مسوده جدید قانون انتخابات، نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری باید لیسانس باشند و نامزدان شورای ملی حد اقل سند صنف دوازدهم را داشته باشند.

در همین حال، داکتر محی‌الدین مهدی عضو مجلس نماینده‌گان می‌گوید، اصولاً محول کردن رسیده‌گی به

دو انتخابات ریاست‌جمهوری با شمار کثیری از نامزدان ریاست‌جمهوری، از یک طرف به تشتت سیاسی در کشور دامن زد و از جانب دیگر، فشرده کردن خواست‌های جامعه را در برنامه‌های مشخص نامزدان به براهه کشاند. حضور چندین نامزد در انتخابات ریاست‌جمهوری، نمی‌تواند یک امر پذیرفتنی در این خصوص به‌شمار رود؛ هرچند که ممکن است برخی آن را به کثرت‌گرایی موجود در جامعه تعبیر کنند. کثرت‌گرایی در جوامع دموکراتیک یک امر اجتناب‌ناپذیر و قابل قبول به نظر می‌رسد، ولی در زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، این کثرت آرا و نظرات در برنامه‌های شمار محدودی از نامزدان به گونه‌ی بازتاب می‌یابد که کل جامعه خود را در آیینۀ آن‌ها به‌درستی پیدا می‌کند. اما شاید با گذشت یازده سال تجربه نظام دموکراتیک - هرچند با کاستی‌های فراوان - مردم افغانستان به این نتیجه رسیده باشند که در تزاخم نامزدان نمی‌توان به یک انتخابات شفاف و عادلانه دست یافت.

اکنون شرایط برای این مسأله مساعد به نظر می‌رسد که نخبه‌گان جامعه به سمت کاهش نامزدان و ایجاد اجماع عمومی در برنامه‌های دو یا سه نامزد مشخص گام بردارند. احزاب سیاسی کشور وظیفه دارند که در این راستا جامعه را کمک کنند و نه این‌که به تکثر نامزدان و سراسیمه‌گی‌های انتخاباتی دامن بزنند. افغانستان به این مرحله ارتقا کرده است که خواست‌ها و نیازهای خود را در محور نامزدان مشخصی که از مانور بالای سیاسی برخوردار باشند، تعریف کند.

تشتت موجود انتخاباتی در کشور، تصمیم‌گیری برای مردم را در انتخاب نامزد مورد نظر با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو کرده است. تجربه انتخابات سال ۲۰۰۹ میلادی نشان داد که موجودیت چندین نامزد با برنامه‌هایی که زیاد از یک‌دیگر هم تفاوت‌های ماهوی را نشان نمی‌دادند، زمینه را برای تقلب و جعل‌کاری

یک سال بسیار موفقیت‌آمیز و پر دست‌آورد برای ارتش ملی افغانستان بوده است. ما ۴ چالش عمده داریم: قوای هوایی، سلاح ثقیله، تعلیمات انجنیری و استخبارات. ما باید این کمبودها را مرفوع بسازیم، در بخش استخبارات هنوز هم در بسیاری از موارد متکی به خارجی‌ان هستیم.»

این خوشبینی و نگرانی در حالی مطرح می‌شود که قرار است مرحله چهارم واگذاری مسوولیت تأمین امنیت کشور از نیروهای خارجی به نیروهای افغان، به زودی آغاز شود.

شکایات انتخاباتی به دادگاه، کار خلافی نیست؛ اما آلوده‌بودن دستگاه قضایی کشور به فساد و نداشتن استقلال کافی سبب شده که نسبت به بی‌طرفی دادگاه در افغانستان شک و تردیدهایی وجود داشته باشد.  
به گفته این عضو مجلس نماینده‌گان، مسوده جدید قانون انتخابات، یک قانون حکومت محور و دولت محور است؛ زیرا در این مسوده، تمام صلاحیت‌ها به حکومت و رییس‌جمهور داده شده است.

داکتر مهدی افزود، در این مسوده صلاحیت به تعویق انداختن و یا تعلیق برگزاری انتخابات به رییس‌جمهور داده شده است که بدون شک قابل پذیرش نیست.  
داکتر مهدی افزود، قصد حکومت از چنین اقدامی حضور و تسلط بیشتر در پروسه انتخابات است تا بتواند در انتخابات نفوذ کافی داشته باشد.  
او در مورد تصمیم مجلس در این خصوص گفت، مجلس در م ورد این قانون بحث خواهد کرد و کمیسیون‌های مختلط ایجاد خواهد شد و پس از بحث و بررسی، مسوده جدید قانون انتخابات با تعدیلاتی دوباره به حکومت فرستاده خواهد شد.

حبیب‌الله غالب وزیر عدلیه کشور روز شنبه هنگام سپردن این طرح مسوده قانون انتخابات به مجلس، از شورای ملی خواسته است که این پیش‌نویس را با در نظر داشتن منافع ملی کشور تصویب نمایند.  
این پیش‌نویس در حالی به مجلس نماینده‌گان فرستاده می‌شود که قانون تشکیل و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل انتخابات هنوز هم زیر بررسی مجلس نماینده‌گان قرار دارد.

انتخاباتی مساعد کرد و در نتیجه، جامعه را به سمت بحران سازمان داده شده در رابطه با انتخابات کشاند؛ بحرانی که پس‌لرزه‌های آن بعداً در انتخابات پارلمانی نیز خود را نشان داد. احزاب سیاسی و نخبه‌گان جامعه باید با طرح یک برنامه مدون، زمینه را برای کاهش شمار نامزدان فراهم کنند. این مسأله سبب می‌شود که انسجام بیشتری در کشور به وجود آید و از انقطاب و پراکنده‌گی‌های سیاسی و اجتماعی فعلی نیز به شکل چشم‌گیری کاسته شود.

متأسفانه در دو انتخابات گذشته، حضور تعداد کثیری از نامزدان سبب شد که جامعه وارد فضای تازه سیاسی نشود و برنامه‌های انتخاباتی نیز به گونه علمی و مطابق با شرایط کشور شکل نگیرد. به این دلیل، انتخابات آینده آزمون دیگری را پیش روی جامعه، نخبه‌گان، احزاب سیاسی و شخصیت‌های ملی کشور می‌گذارد. این آزمون ایجاد یک اجماع عمومی سیاسی در رابطه با مسایل کلان کشور است که بتواند از افزایش نامزدان بکاهد و برنامه‌های انتخاباتی را به گونه‌ی تنظیم کند که چندین حزب، نهاد سیاسی و شخصیت مستقل ملی در محور افراد و احزاب مشخصی، برای اهداف و خواست‌های‌شان پاسخ بیاوند. این موضوعی است که عمده‌ترین احزاب و جریان‌های سیاسی کشور، باید از حالا به آن بیاندیشند و شرایط را به آن سمت هدایت کنند.

حضور ده‌ها نامزد در انتخابات ریاست‌جمهوری، نمی‌تواند یک امر میمون سیاسی به شمار رود. به این روند باید پایان داد. پایان دادن به این روند، از راه گفت‌وگو و نشست‌های مستمر میان احزاب و جریان‌های سیاسی معتبر در کشور به دست می‌آید. افغانستان هیچ راه دیگری ندارد به جز این‌که وارد چنین مرحله از تاریخ سیاسی خود شود. اگر کسانی برای آینده افغانستان نگران‌اند، باید به این مسأله بها دهند و آن را در اولویت‌های کاری خود بگذارند.

## پاکستان به پاس مبارزه...

مستقر در مرز پاکستان و افغانستان صرف کرده، دریافت کرد.  
به گزارش پایگاه اینترنتی تربیون، سلیم اچ. ماندی‌والا سناتور پاکستانی و وزیر دولت در امور مالی همراه با مقامات وزارت امور خارجه و بانک دولتی پاکستان دریافت این پول را تایید کردند.

یک منبع خبری در وزارت امور خارجه پاکستان اعلام کرد: پس از گزارش پنتاگون به کنگره امریکا در خصوص این مبلغ، تقریباً واضح بود که واشنگتن به زودی این مبلغ صندوق حمایتی ایتالاف را به منظور بازپرداخت هزینه‌هایی که پاکستان در اثر جنگ با تروریسم متحمل شده تحویل خواهد داد.  
در اگوست ۲۰۱۲ پاکستان، مبلغ ۱۲ / ۱ میلیارد دالر را از سوی امریکا و از مسیر این صندوق دریافت کرد.

۶۰ درصد از این اعتبار به ارتش پاکستان اختصاص یافته و مابقی نیز صرف رفع کسری بودجه پاکستان می‌شود.

## شرکت تصفیۀ تیل...

این تصمیم در حالی اتخاذ می‌شود که در حال حاضر نفت خام حوزه نفتی دریای آمو، جهت تصفیه به ترکمنستان انتقال داده می‌شود.  
به اساس معلومات اداره آیسا، هزینه سالانه تصفیه تیل افغانستان در کشورهای همسایه به ۴ میلیارد دالر می‌رسد.

مسوولان این اداره می‌گویند: با اعمار فابریکه یادشده، قسمت زیاد از این پول در داخل کشور به مصرف خواهد رسید.

این در حالی است که کارشناسان افغان، فساد و مداخله موجود در استخراج معادن و پروژه‌های اقتصادی از سوی شماری از اشخاص زورمند و مقامات حکومتی را نگران‌کننده می‌خوانند.

مسوولان اداره آیسا، اعمار تصفیه خانه در شمال کشور را یک دست آورد بزرگ برای افغانستان می‌خوانند و می‌گویند آنان در نظر دارند تا همچو سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و وسیع را برای افغانستان جلب کنند.



## رییس ستاد مشترک ارتش:

# هیچ تشویشی از پروسه چهارم انتقال نداریم



وزارت دفاع افغانستان می‌گوید که از مرحله چهارم انتقال مسوولیت‌های امنیتی هیچ تشویشی ندارند، هرچند این پروسه خالی از مشکلاتی نخواهد بود. با آنکه تا اکنون زمان آغاز مرحله چهارم مسوولیت‌های امنیتی از نیروهای بین‌المللی به نیروهای افغان مشخص نشده، وزارت دفاع افغانستان از یک سلسله تهدیدهای امنیتی سخن می‌زند. شیر محمد کریمی رییس ستاد مشترک ارتش افغانستان به روز یکشنبه در کنفرانس کارمندان صحنی ارتش در کابل از آغاز بررسی‌ها در خصوص این مرحله سخن گفت. آقای کریمی گفت: احتمال می‌رود این مرحله در مناطق سرحدی و

محلات نا امن به اجرا گذشته شود. اما او تأکید کرد که برای دفع تهدیدها از سوی مخالفان مسلح، آماده‌گی‌های لازم را روی دست دارند. او افزود: «فعالاً مرحله چهارم را که ما ارزیابی می‌کنیم، ساحاتی است که تهدیدات در آنجا بیشتر موجود است و به سرحدات نزدیک است، یا جاهایی است که در آنجا دشمن به اشکال مختلف می‌تواند مانع شود یعنی تهدیداتی موجود است، ولی ما هیچ نوع تشویش نداریم.» رییس ستاد ارتش افغانستان همچنان تأکید کرد که گرفتن مسوولیت از سوی نیروهای افغان خواست حکومت و مردم این کشور است و باید این پروسه به وجه احسن آن پیش برده شود. این مقام امنیتی همچنان گفت: در حال حاضر ۷۶ درصد امنیت مناطق افغانستان از سوی نیروهای امنیتی تامین می‌گردد. پیش از این نیروهای آیساف نیز مبارزه با شورشیان را از چالش‌های اساسی فرا راه پروسه انتقال خوانده است. پروسه انتقال مسوولیت‌های امنیتی از نیروهای بین‌المللی به عساکر افغان سال گذشته آغاز شد و این برنامه به اساس یک پلان طرح شده در پنج مرحله انجام می‌شود. مقام‌های امنیتی می‌گویند که مرحله سوم این روند به پایان رسیده است و انتظار می‌رود در آینده نزدیک رییس‌جمهور کرزی محلاتی که در مرحله چهارم تامین امنیت آن به دوش نیروهای افغان سپرده می‌شوند، اعلام نماید.

## والی کابل:

# برای جلوگیری از غصب زمین‌ها کاری

## صورت نگرفته است



والی کابل می‌گوید که به هدف جلوگیری از غصب زمین در شهر کابل تا اکنون کارهای لازم صورت نگرفته است. یک روز پس از نشر گزارش مجلس نماینده‌گان در خصوص غصب زمین‌های دولتی در شهر کابل، والی این ولایت به ولسوالان و فرماندهان امنیتی ولسوالی‌های این ولایت دستور داد تا در شناسایی غاصبان اقدام جدی نمایند. عبدالجبار تقوا به روز یکشنبه نشستی را به همین منظور با ولسوالان و فرماندهان امنیتی ولسوالی‌های چهارده گانه کابل در مقر کارش برگزار کرد.

گفت که تحقیقات نشان می‌دهد که هژده هزار تن در غصب زمین‌های افغانستان متهم اند. وی بر خلاف معلومات مجلس می‌گوید که از مجموع تمام غاصبان زمین سه صد و سی تن آنان متهم به غصب زمین در شهر و ولسوالی‌های کابل می‌باشند. در همین حال شماری از اشتراک کننده‌های نشست روز یکشنبه می‌گویند که غاصبین زمین از طرف غرب کابل به طرف بگرامی رو آورده اند و برای زمین‌های دولتی اسناد جعلی ترتیب می‌دهند.

وی گفت که تا حال هیچ کاری به خاطر جلوگیری از غصب زمین‌ها در کابل صورت نگرفته است. والی کابل برخی از مقامات حکومتی را در غصب زمین‌های دولتی متهم کرد اما تأکید کرد که تلاش‌ها به هدف جلوگیری از غصب زمین‌ها بیشتر ساخته اند: «گراف غصب اراضی هر روز بالا رفته می‌رود، اینجاست که غاصبین زمین جرأت پیدا می‌کنند، اگر جلو پنج قضیه گرفته شود غصب به هر سوئی که باشد کوشش کنیم که فرصت‌ها را از دست ندهیم و فرصت‌ها را به آنها آماده نسازیم که اراضی دولتی را غصب کنند، این وظیفه ماست که قبل از غصب شدن جلو اش را بگیریم.» این در حالیست که به روز شنبه کمیسیون خاص بررسی و تحقیق مجلس از غصب بیش از یک میلیون جریب زمین‌های دولتی در سراسر افغانستان خبر داد. اعضای این کمیسیون گفته اند، از جمله این رقم تنها چهل هفت هزار جریب آن در کابل می‌باشد که توسط یازده تن غصب شده است.

در همین حال، حشمت الله عنایت رییس اداری وزارت زراعت در نشست ولایت کابل

جاوید دلاور ولسوال بگرامی به رادیو آزادی گفت: اگر مقام‌های کابل با او همکاری نمایند وی قادر است تا جلوی این غاصبین را بگیرد: «زمین‌های که در شهر کابل به اشکال مختلف گرفته شده و یا در دامنه تپه‌ها غصب شده اند این روند هنوز هم در برخی مناطق مانند بگرامی ادامه دارد مافیای زمین می‌خواهند تا این زمین‌ها را با اسناد تقلبی بدست بیاورند، مساله مهم این است که مافیای زمین به سطح مقامات بلند پایه حمایت می‌شوند، ما از مقامات بلند رتبه توقع داریم که با ما همکاری کنند و این‌ها را به محکمه محول کنند اما متأسفانه این اجرات نمی‌شود وقتی ما آنها را تسلیم می‌کنیم دوباره آزاد می‌شوند.» گزارش‌ها می‌رسانند که بیشتر غاصبان بالای زمین‌های دولتی دست به اعمار خانه‌های رهائشی، شهرک‌ها، دکاکن و حتی مارکیتهای تجارتنی زده اند. به اساس معلومات وزارت شهر سازی، در حال حاضر روزانه بین یک هزار تا یک هزار و پنج صد جریب زمین دولتی از سوی زورمندان در این کشور غصب می‌شود. مسوولان این وزارت می‌گویند، این مساله بسیاری از پروژه‌های انکشافی را به مشکل و بربرو ساخته است.

# یک زن در دایکندی خودکشی کرد

یک خانم ۶۰ ساله در مرکز ولایت دایکندی بر اثر خشونت خانوادگی خودکشی کرد. در بخش‌های زیادی از بدن او هم آثار ضرب و شتم پیدا بود. رییس دفتر حقوق بشر دایکندی

می‌کردند. مسوولان نهادهای حقوق بشری در دایکندی افزایش موارد ثبت شده خشونت با زنان را نشانه‌ی از موثریت کار خود می‌دانند و می‌گویند که مردم حالا به این نهادها اعتماد



مسوولان دفتر کمیسیون حقوق بشر در ولایت دایکندی گفته اند که یک زن به دلیل خشونت خانوادگی خودکشی کرده است. محمدجواد دادگر رییس دفتر حقوق بشر دایکندی روز یکشنبه، گفت که این زن سی ساله پس از اقدام به خودکشی به بیمارستان منتقل شد و در آنجا جان داد.

احمدفرهاد وزیر سرپرست بیمارستان دایکندی به بی‌بی‌سی گفت که این خانم چند روز پیش، پس از آنکه مواد زهرآلود خورد، به بیمارستان منتقل شد.

به گفته آقای وزیر، این زن هنوز به صورت کامل درمان نشده بود که شوهرش او را به خانه برد و دو روز قبل بار دیگر او را به بیمارستان آورد، اما او در آستانه مرگ قرار داشت و دیروز جان باخت.

محمدجواد دادگر گفت که امسال موارد خشونت علیه زنان در دایکندی افزایش یافته و از آغاز امسال ۳۱ زن بر اثر خشونت‌های خانوادگی اقدام به خودکشی کرده اند که در شش مورد منجر به مرگ آنها شده است.

مسوولان بیمارستان دایکندی و نیز مسوولان دفتر حقوق بشر دایکندی تأیید کردند که در بدن خانمی که دیروز خودکشی کرد نیز آثار ضرب و شتم دیده می‌شد. محمدجواد دادگر افزود: «یک ماه پیش هم

موارد اقدام به خودکشی زنان در دایکندی را «نگران‌کننده» توصیف کرد و افزود که از آغاز امسال به طور کلی بیش از صد مورد خشونت با زنان در این ولایت ثبت شده است.

خشونت علیه زنان در افغانستان و از جمله دایکندی، پدیده تازه‌ی نیست اما پیش از این چنین مواردی ثبت نمی‌شد. خانواده‌ها از رسانه‌ی شدن و یا هم گزارش دادن چنین مواردی به نهادهای مربوط خود داری

دارند و موارد خشونت را به این نهادها گزارش می‌دهند. خشونت با زنان در افغانستان یک مشکل سراسری است و در یازده سال اخیر تلاش‌های گسترده‌ای صورت گرفته تا خشونت با زنان کاهش یابد. اما افغانستان هنوز در فهرست کشورهای قرار دارد که زنان در آنها از انواع خشونت و تبعیض رنج می‌برند.

## د لوگر چارواکی:

# دهغه پاخون ملاتړ کوو، چې د سولی لپاره وی

د لوگر چارواکی وایي، چې په دې ولایت کې خلک د طالبانو او نورو وسله والو نه په تنک شوي او چمتو دي، چې پر وړاندې یې ولس پاخون وکړي.

د هغه ولایت د والي ویاند دین محمد دروېش ازادی راږیو ته په خبرو کې ویلي، چې د مرکز پل علم او ځینو نېرېدې سیمو لکه کلنکار او نورو کلیو په لسگونو اوسېدونکیو له والي سره کتلي او ویلي یې دي چې نور نو د طالبانو ځورنې او وژنې نشي زغملای. ښاغلي دروېش ویلي، چې د لوگر والي هم له قومي خلکو سره د مرستې او له ولسي پاخون د ملاتړ ډاډ ورکړی

دی. هغه وایي، دوی یوازې د هغه پاخون ملاتړ کوي، چې د وسله والو طالبانو او ټولو هغو وسله والو پر ضد وي، چې له بهره تمویلېږي او دغه پاخون باید د سولې د ټینګښت لپاره وي. دا په داسې حال کې ده، چې له دې وړاندې کابو څو میاشتې وړاندې د لومړي ځل لپاره په غزني کې د طالبانو پر ضد ولسي پاخون پیل شو، چې خورا هرکلی یې وشو او نورو سیمو ته هم پراخ شو. په لوگر کې په وروستیو درېیو کلونو کې د نامنیو پېښې او هدف وژنې زیاتې شوي دي. ټاکل شوې وه د

طالبانو له خوا د دغو وژنو په اعتراض وړمه ورځ د خلکو لاریون هم وشي، خو د ځینو دلایلو له مخې دغه لاریون ونه شو. د لوگر چارواکو د تلې یا میزان په وروستیو کې ویلي وو، چې ۷۰۰ سیمه ییز پولیس او د عامه نظم څو کنټرولونه په نامنو ولسوالیو کې ځای پرځای کوي، خو د نامنیو په مخنیوي کې مرسته وکړي. د یادونې وړ ده چې په لوگر کې د شته نا امنۍ لپاره د مس عینک ګان کار په تپه درېدلی او یوشمېر چینایي انجنیران بېرته خپل هېواد ته ستانه شوي دي.

## به مبارزات سیاسی...

و قانون اساسی را بپذیرند این خواست وزارت خارجه افغانستان در حالی مطرح می‌گردد که تلاش‌ها در زمینه تامین صلح در کشور به سطح ملی و بین‌المللی ادامه دارند.

برخی از کشورها و نهادهای بین‌المللی کوشش می‌کنند با راه‌اندازی نشست‌های صلح در بیرون از افغانستان به معضل این کشور نقطه پایان گذاشته شود.

چنانچه یوناما یا دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در نظر دارد نشستی را با حضور نماینده‌گان جناح‌های مختلف افغانستان، در عشق آباد مرکز ترکمنستان برگزار کند. اما حکومت افغانستان می‌گوید: پس از این، نشست‌های صلح باید در داخل این کشور راه‌اندازی گردند، زیرا حالا تمام امکانات در افغانستان مهیا است.

سخنگوی وزارت خارجه حتی می‌گوید که امنیت نماینده‌های مخالفان مسلح که برای مذاکرات صلح به کشور می‌آیند، نیز تضمین می‌گردد: «امروز در افغانستان

این شرایط و زمینه مساعد است که تمام مذاکرات بین‌افغانی که در خصوص تلاش‌های صلح راه‌اندازی می‌گردند، در داخل افغانستان انجام شوند. حتی اگر طالبان یا سایر مخالفان مسلح می‌خواهند نماینده‌های شان را در این نشست‌های بین‌افغانی بفرستند، دولت افغانستان امنیت و مصونیت آنان را کاملاً ضمانت می‌کند.» گروه طالبان تا اکنون در رابطه به خواست تازه حکومت افغانستان تبصره‌ی نکرده است.

اما به تازه‌گی روزنامه لاس‌انجلس تایمز نوشته که اخیراً این گروه سیاست‌های نرم تری را اختیار نموده است. به اساس گزارش‌ها، طالبان در نشست پاریس گفته اند که خواهان انحصار قدرت نیستند.

گفته شده در این نشست گروه طالبان نیز وعده نموده که حقوق اقلیت‌ها و زنان را که هنگام فرمان روایی یازده سال قبل این گروه محروم ساخته شده بودند، رعایت خواهند کرد.

## داستان پولیسی که «حقانی» را فریب داد



مهاجمان طالبان که قصد داشتند با فریب یک پولیس بر مقر ولایت پکتیکا حمله کنند، به دام افتادند و دستگیر شدند. این پولیس از سوی مقامات عالی رتبه مورد تقدیر قرار گرفت.

طالبان بر این باور بودند که بایرخان ویار فرد مناسبی برای انجام «حمله داخلی» بر پولیس افغانستان بود؛ اما به جای این او دامی را برای طالبان پهن کرده بود.

ویار که یک افسر پولیس پایین رتبه در ولایت شرقی پکتیکا است، در ماه نوامبر با مردی دیدار کرد که به او گفت اگر یک فرمانده محلی شورشیان را ملاقات کند، سرمایه دار می شود.

ویار بعد از دریافت مدال قهرمانی از وزیر داخله کشور، مجتبی پتنگ در ۲۵ دسمبر گفت: «من فکر کردم که او (فرستاده طالبان) مزاح می کند.» او در ادامه افزود: «اما فرمانده که نامش محمد بود، به پوسته پولیس در ولسوالی سر حوزه آمد تا من را ببیند.» او خبر داشت که من آنجا

حقانی، رهبر شبکه حقانی بود که او رابطه نزدیکی با شبکه تروریستی القاعده دارد. ویار یادآور شد: «او گفت که به من ۲.۵ میلیون افغانی (معادل ۵۰ هزار دلار)، دو موتر مدل جدید و یک خانه در پاکستان می دهد.»

پولیس تصمیم گرفت که طرح را دنبال کند و اجازه داد تا سه مرد بین ۱۸ تا ۲۵ ساله که توسط محمد فرستاده شدند، با یونیفورم پولیس در پوسته ویار کار کنند.

محب الله صمیم، والی پکتیکا به خبرگزاری فرانسه گفت: «ما آنها را از نزدیک زیر نظر داشتیم. ما به ویار گفتیم که با آنها همکاری کند و آنان را تنها نگذارد.» صمیم در ادامه افزود: «او یک جنگجوی درست است. او نگران جان خود نبود. ما به او اعتماد کردیم و او ثابت کرد که یک وطنپرست دلاور است.»

یک ماه بعد، محمد با دو مرد دیگر برای انجام حمله برگشت. آنها با خود یک موتر پر از مواد انفجاری، ۶۰ نارنجک و شش تفنگ ماشیندار و شش واسکت انتحاری آوردند.

ویار گفت: «من درباره نفر ششم انتحاری پرسیدم. او گفت که نفر ششم خودم هستم که موتر را مفتخر خواهم کرد.» روز ۱۱ دسمبر، روزی که حمله طرح ریزی شده بود، از ویار خواسته شد تا مهاجمان و موتر بمبگذاری را اجازه بدهد به طور جداگانه در مقر ولایت مستقر شوند. بعد از آن، او اجازه دارد تا به پاکستان بگریزد.

پولیس اجازه داد تا آخرین لحظات پیش از حمله طرحش آشکار نشود. افسران پولیس که مخفی شده بودند، تله را جمع کردند و شش مرد مهاجم را بدون حتا شلیک یک گلوله دستگیر کردند. محمد که فهمید فریب خورده است، بر سر ویار فریاد زد: «حالا که تو ما را فریب دادی، چرا مرا خودت با گلوله نمی زنی؟»

حملات داخلی در سال روان میلادی حداقل جان ۶۰ نیروی خارجی و بسیاری از نیروهای داخلی را گرفت. هفته گذشته، یک پولیس مهاجمان طالبان را در ولایت ارزگان اجازه داد تا سحرگاه به یک پوسته داخل شوند. شورشیان طالبان در آنجا چهار همکار آن پولیس را کشتند.

ویار از سوی وزارت داخله افغانستان با اهدای مدال و وجه نقدی مورد تقدیر قرار گرفت. او می گوید که بارها تهدیداتی از سوی شورشیان که در پاکستان پایگاه دارند، دریافت کرده است؛ اما او می گوید: «من به آنها (شورشیان) که من از شما نمی ترسم. من یک جنگجو هستم.»

## شرکت تصفیه تیل در شمال ساخته می شود



یک شرکت مشترک افغانی و امریکایی در بخش تصفیه تیل افغانستان، ۷۰۰ میلیون دالر امریکایی سرمایه گذاری می کند.

اداره حمایت از سرمایه گذاری افغانستان با آیسایا می گوید: با عملی شدن پروژه تصفیه تیل در کشور، افغانستان از این بابت خود کفا خواهد شد.

مسئولان اداره آیسایا به روز یکشنبه در کابل به خبرنگاران گفته اند، شرکت «افغان امریکن» در همین بخش، ۷۰۰ میلیون دالر امریکایی را سرمایه گذاری می کند.

وافی الله افتخار رییس این اداره گفت که قرار است شرکت یادشده یک فابریکه بزرگ تصفیه تیل را در شمال کشور اعمار نماید.

آقای وافی همچنان گفت: «یک شرکت افغان امریکن در قسمت اعمار تصفیه خانه مواد نفتی، ۷۰۰ میلیون دالر سرمایه گذاری می کند. زمانی که این فابریکه به کار آغاز کند، ظرفیت تصفیه ۶۰ هزار بیرل تیل را روزانه خواهند داشت. با اعمار این فابریکه برای ۱۴۰۰ تن زمینه کار مستقیم و برای ۲۰ هزار نفر غیر مستقیم زمینه کار مساعد می شود.»

ادامه صفحه ۶

## ملی کنفرانس

به افغانستان کې د تلپاتې سولې د رامنځ ته کېدو او سیاسي ریفورم - ملي اجندا د افغانستان روان وضعیت ته په کتو، له هېواد څخه د بهرنیو ځواکونو د تلو د نېټې (۲۰۱۴/۱۳۹۳) په رانېرېدې کېدو او په افغانستان کې د روانې پروسې د ښه والي لپاره، د شهید احمدشاه مسعود بنسټ د خپل ملي مسوولیت او مسلسل څارونکیو هڅو په لړ کې؛ د هېواد د نخبگانو د نېرېدې کېدو او تفاهم په موخه د یوې ملي اجندا په محور، د یوې بین الافغانې غونډې هوډ لري.

له دې امله د هېواد له ټولو، سیاسي، فرهنگي او ټولنیزو نخبگانو څخه، چې د یوې ملي حل لارې لپاره یې هلې ځلې کړي او کوي یې، په ډېر اراتمندانه ډول هیله کوو، څو په دې ناسته کې د خپل گډون او برخه اخیستو لپاره، د شهید احمدشاه مسعود بنسټ ته مخکې له مخکې خبر ورکړي.

د شهید احمدشاه مسعود بنسټ

ایمپل او داریکو شمېرې:

awmasoud@hotmail.co.uk - ۰۷۰۰۰۵۰۰۰۰

rowzana@yahoo.com - ۰۷۰۰۲۷۷۷۸۱

mandegar.daily@gmail.com - ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰

۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲

۰۷۸۵۷۵۵۳۳۰



## کنفرانس ملی

### اجندای ملی - ریفورم سیاسی و ایجاد صلح پایدار در افغانستان

با در نظر داشت اوضاع جاری در افغانستان و نزدیک شدن سال ۱۳۹۳ / ۲۰۱۴ زمان خروج نیروهای بین المللی از کشور، و به منظور بهبود روند جاری در افغانستان، بنیاد شهید احمدشاه مسعود بنا بر مسوولیت ملی خویش و به سلسله تلاش های پیگیرش، به هدف ایجاد نزدیکی و تفاهم میان نخبگان کشور در محور یک اجندای ملی، تدویر یک نشست بین الافغانی را در نظر دارد.

بدین منظور، از همه از نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور که به خاطر جستجوی راه حل ملی تلاش فراوان داشته اند، ارادتمندانانه تقاضا داریم که از اشتراک و سهم گیری خویش در این نشست، دفتر مرکزی بنیاد شهید مسعود را قبلاً اطلاع دهند.

دفتر مرکزی بنیاد شهید احمدشاه مسعود

ایمیل و شماره های تماس:

awmasoud@hotmail.co.uk - ۰۷۰۰۰۵۰۰۰۰

rowzana@yahoo.com - ۰۷۰۰۲۷۷۷۸۱

mandegar.daily@gmail.com - ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰

۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲

۰۷۸۵۷۵۵۳۳۰

د درنو لوستونکیو د پام وړ!

د شهید احمدشاه مسعود بنسټ خپلو هېوادوالو ته زېری ورکوي، چې د (په افغانستان کې د تلپاتې سولې د رامنځ ته کېدو او سیاسي ریفورم - ملي اجندا) کتاب په پښتو او انګلیسي ژبو هم ژباړل شوی او ډېر ژر به د مینه والو لاس ته ورسېږي.

دغه کتاب د یاد بنسټ مشر احمدولي مسعود لیکلي چې تر ډېره یې په کې د هېواد په روان وضعیت او په افغانستان کې د تلپاتې سولې په راوستو پر حل لارې بحث کړی دی.